

اهداف ریگان و تعهدات رژیم

افشای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و ارسال پول آن به ضد انقلابیون نیکو را گوشه، معا مله پنهانی آمریکا و جمهوری اسلامی را به یک مسئله بین المللی مهم تبدیل کرد. در آمریکا یک جنرال بزرگ سیاسی بدنیا ل داشت و در دستگاره رهبری آمریکا بحران سیاسی نظیر ما برای آمریکا پدید آمد. او نیکو را گسترده و بین المللی این رسوایی که هر روز اطلاعات تازه ای درباره آن افشا می شود با زتاب آن در ایران خمینی، رفسنجانی و دیگر آخوندها را در توجیه قضیه در مانده کرده. آنها برای مها ربیها مدایسن رسوایی موجهی از با زتاب و دیگر یونیند بر امان نداشتند. آنقدر با اهمیت همه جا نبه این رویداد در مقاله ای این شماره رگای رنیز مجددا همین معا لرا بررسی می کنند. در اثر روشن جها ت گوناگون معا مله، حسابا ل وضعی پیش آمده است که خمینی و بویژه رفسنجانی روی آزادی گروگانها در با فیت مسلح از آمریکا تکیه میکنند تا سازش با آمریکا و معا مله با اسرائیل را در سایه قرار دهند. اصل قضیه این است که هر دو طرف معا مله کننده، خواهان برقراری رابطه و گسترش آن هستند. حال هم رهبران آمریکا، تمام هیات حاکمه آمریکا کلا با برقراری روابط با جمهوری اسلامی و حفظ رژیم تروریست خمینی موافق هستند و کسی از این زاویه به سیاست ریگان خرد نمی گیرد. در این زمینه جرج بوش مسایل مهمی را مطرح می کند که سیاست امپریالیسم آمریکا و همه دلایل اتخاذ این سیاست و اهداف آن را به روشنی ترسیم می کند. بوش معا ول ریگان در سخنرانی بسیار مهم خود می گوید:

سه سال پیش از نخستین آدم ربایی دولست گویند مجاری با بل عطا دو متعا دلرا در ایران پیدا کننده بتوا ندا نظریاتی آنها انجام گفتگوهای سازنده و مشو ل را امکان پذیر سازد و با خیرا ل ما اطلاعاتی را بدست آوردیم که نشان می داد عنا صرا قع گرا در داخل ایران درک برخی از واقعیت های تلخ را آغاز کردند. بسیاری از رهبران ایران درک می کنند که بقای خودش و با زسازی اقتصاد کشور ممکن است به عادی ساختن مناسباتش با همسایگان و جهان غرب بستگی داشته باشد. ما نمی توانیم انتقال قدرتی را که بزودی در ایران صورت خواهد گرفت، ندیده بگیریم. خمینی از حجه خارج خواهد شد و رژیم دیگری قدرت را در دست خواهد گرفت و ما باید در موقعیت قرار داشته باشیم که بتوا نیم به منافع آمریکا و در حقیقت به منافع جهان آزاد خدمت کنیم. آنچه را که بوش در دفاع از سیاست احمیا و گسترش رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی و در تریس اهداف این سیاست به زبان می آورد، به انداز کافی گویا هست. سیاست جدید آمریکا نسبت به رژیم از کفتر انیولیسی مزبور با بعد شکل گرفته و از زمان زمان سیاست حفظ رژیم به اجرا گذاشته شده است. ادامه جنگ راهبردهای اصلی آمریکا در پیشبرد این سیاست بوده و به همین دلیل اسلحه آمریکا بی از همان زمان از طریق "دلان اسلحه" به جمهوری اسلامی فرستاده می شده است. "واقم گرا ها" که بوش از آنها نامی برد در واقع امثال رفسنجانی است که از سال ۶۲ به بعد مکررا از آمریکا تقاضای مذاکره و معا مله می کنند. این "واقع گرا ها" کما نیت هستند که خودشان خواهان برقراری رابطه بقیه در صفحه ۲

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

زندانیان اعتصابی در شرایط فوق العاده سختی بسر می برند. تا زیانه جلادان رژیم برتن رنجور آنان فرود می آید. زندگی آنان بر اثر اعتصاب غذاهای فشارهای طاقت فرسا و شکنجه های مداوم در معرض خطر جدی قرار دارد. زندانیان سیاسی هر لحظه با مسئله مرگ و زندگی روبه رو هستند. سیاست وطنیت با رژیم مردم را عمیقاً نگرسان جان زندانیان سیاسی ساخته است.

سازمان ما همه سازمانها و محافل بیسن - المللی آزادی خواه و همه سازمانها و شیروهای مترقی کشور و همه میهن دوستان و خانوادها های زندانیان را فراخواند که صدای اعتراض خود را نسبت به افزایش فشار در زندانها و شکنجه زندانیان بلند کنند و با تمام قیسا و برای نجات زندگی زندانیان اعتصابی و همه زندانیان سیاسی تلاش کنند.

در رابطه با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران، شما بنده گسی کمیته مرکزی سازمان در اروپا اطلاعاتی انتشار داد. کمیته مرکزی سازمان نیز در این باره اطلاعیه ای داده است که در این شماره درج میشود.

در صفحه ۲

بر اساس اخبار و گزارشهای کسسه از اسارتگاههای رژیم جنایتکار خمینی دریافت کرده ایم، طی آذرماه اعتصاب غذای زندانیان زنا و مردان اوین و گوهردشت را فرا گرفته است. اعتصاب غذای قهرمانانه فرزندان دلبر خلق در اعتراض به اعمال وحشیانه و جنایتکارانه رژیم و در اعتراض به اعمال شرایط غیر انسانی و فشارهای طاقت فرسای زندان صورت گرفته است. اطلاعات منتشره از سوی کمیته مرکزی حزب خوده ایران نیز که بتاریخ ۱۸ آذرماه انتشار یافته است، همین خبر را انتشار داده است. مجاهدین خلق نیز خبر اعتصاب را انتشار داده و از اعداد عمده ای از اعتصابیون خبر داده اند. رژیم که از اقدام شجاعانه و عمل متحده زندانیان و با زتاب آن در کشور نگران است، تمام امکانات خود را بکار گرفته است تا خبر اعتصاب غذا به خارج از زندان در نزنند. آنها ملاقات همه ایران با خانوادها یشان را قطع کرده اند تا برای درهم شکستن اعتصاب غذای زندانیان و برای فرو نشاندن اعتراض یکپارچه و متحد آنها در پنهان از مردم به سر جابیتی که میخواهند دست زنند.

فلک شدن مهدی هاشمی و فلک زدگی "فقیه عالیقدر"

با بازداشت سید مهدی هاشمی که "جرم واقعی او بزملا کردن معا مله پنهانی خمینی - رفسنجانی و ریگان و سازش جمهوری اسلامی با آمریکا است، بفرمان خمینی موج تازه ای زپیگرد و سرگوب" معا به دیرین وی بر آفتاب شده است. افشای ما موریت فرستادن و بیزه ریگان، یک فارلن در تهران، خمینی و رفسنجانی و سایر رهبران رژیم را در وضعیت رسوا کننده ای قرار داده است. خمینی که مدعی بود روزی که رابطه ایران با آمریکا تجدید شود، روز عزای ملی است اکنون برای تحکیم رابطه با آمریکا پیروان متوهم خود را نیز که جرئت کرده اند به اقدام خیانتکارانه او اعتراض کنند به اتهام "نگهداری اسلحه"، فعالیتهای مخفی غیر سر قانونی و امثالهم به زیر مهمیز زندان و شکنجه کشیده است.

این رویداد پرا اهمیت سیاسی یکبار دیگر اثبات کرد که تا چه اندازه جنگ ایران و عراق در خدمت بازسازی مواضع امپریالیسم و مشخصا هوار کننده راه سازش جمهوری اسلامی با آمریکا است و با وضوح تمام بر درستی این تحلیل سازمان ما مهر تأیید میگویند. کجنگ ایران و عراق اهرم مهم تخریب دستاویزهای انقلاب بهمین وادامه آن جلوه بازی از اهمیت ارتجاعی و ضد مردمی خمینی و رژیم است.

آشکار شدن سازش پنهانی خمینی رفسنجانی با امپریالیسم آمریکا تنها از این نظر حاشز اهمیت نیست که چهره فریبکار صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی را در مقیاس ملی و جهانی بنحو فضا حت باری بنمایش در آمد. اهمیت سیاسی این

رویداد باید از جنبه نقش و تاثیر که در آرایش نیروهای درون حکومت بازی کرده است، نیز مورد توجه قرار گیرد. اکنون مفهوم اشاره خمینی در پاسخ به استفسار و زبیرا لاطاعات مبنی بر اینکه با زتاب ما ... ما در بزرگانی را از آنها ما ت باک و توطئه منحرفان را خنثی میکند" با روشنی بیشتر قابل درک است. خمینی ضمن سرگوب مخالفت برخی نزدیکان منتظری در جریان معامله پنهانی با ریگان خود "فقیه عالیقدر" را هم بقیه در صفحه ۹

توطئه سرگوب پنهانی را افشا و خنثی کنیم

اهداف و زمینه های یورش سراری رژیم - جنا پینکار خمینی که در ما های اخیر فدا شیبان خلق ایران را در سرا سرگوب آماج خود قرار داده، مثا به عمده ترین رویداد سال جاری در بند سنگین انقلاب و ارتجاع در میهن ما با بد در ما جهات مورد آزاری و دقت قرار گیرد. این امر بویژه از این نظر اهمیت ویژه ای کسب کرده است که رژیم خمینی با توطئه ای ردیلا نه به تا کتیک شناخته شده "سرگوب در تاریکی" متوهم شده است. رژیم تا امروز کوچکترین خبری درباره این یورش انتشار نداده است.

بقیه در صفحه ۲

جیره خواران سیا

در گرما گرم افشادن رسوایی آمیز روابط پنهانی و طولانی مدت رژیم های خمینی و ریگان و درست هنگامی که هر روز اسناد بیشتری از احساس نا مقدس دور رژیم برای ادامه جنگ و گشتار، در سطح جهانی انتشار می یافت، روزنامه واشنگتن پست (۱۹ نوامبر - ۲۸ آبان) برده از راه های دیگری برداشت.

بقیه در صفحه ۸

☆ در آزمون آتش	در صفحه ۲
☆ بن بست قانون کار اسلامی	در صفحه ۳
☆ تگاهی به رویدادهای سال ۸۶	در صفحه ۹
☆ اعتراض و مبارزه در ارتش	در صفحه ۶
☆ واژگیت ریگان	در صفحه ۳
☆ در ندادن قتل عام جدید	در صفحه ۲
☆ جنايات تازه علیه زندانیان	در صفحه ۱۰

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

مردم مبارز ایران ۱
در حالیکه رژیم منقور و منط خمینی سی در
منقلب سازش با آمریکا در غلطیده و با ادا مسه
جنگ جنایتکارانه همچنان خون درگاسه ما میزد

زنده باد آرزوی
زنده باد آرزوی
زنده باد آرزوی

مردم مبارز ایران ۱
در حالیکه رژیم منقور و منط خمینی سی در
منقلب سازش با آمریکا در غلطیده و با ادا مسه
جنگ جنایتکارانه همچنان خون درگاسه ما میزد

مردم شرافتمند ایران ۱
رژیم بلیید خمینی مردان و زنان آزاد و مبارز
میهن ما را که در شکنجه گاهای اوین به اسارت
کشیده است آماج دهنش های خود قرار داده است

اینها کسانی هستند که بده بستان پنهانی
خمینی وریگان را اولین بار افتاء کردند. موج
بازداشت و شکنجه که بدستور خمینی علیه این
افراد براه افتاد و صدها نفر را به پرونده

درسال ۵۸ زمانی که یزدی و برزینسکی
معامله میکردند، خمینی با توسل به همیسن
مذاکره سازشکارانه و با طرح اینکه رابطه با

سپاه پاسداران و ارتش
مبارزه با رژیم
مبارزه با رژیم
مبارزه با رژیم

هیچکدام نتوانند بر دیگری پیروز شوند و فقط
جنگ ادامه یابد. حقایق افتاء شده بار دیگر
اثبات میکنند که برنده اصلی این جنسنگ

مبارزه با رژیم
مبارزه با رژیم
مبارزه با رژیم

اهدای ریگان...
بقیه از صفحه اول
با آمریکا برای ادامه جنگ و حفظ جمهوری اسلامی

مبارزه با رژیم
مبارزه با رژیم
مبارزه با رژیم

بن بست قانون کار اسلامی

۸ سال پس از سرنگونی رژیم شاه، سرنویسندگان قانون کار همچنان نا معلوم است. با وجود آنکه لایحه قانون کار که از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته، در اساسی ترین وجوه خود حافظ منافع سرمایه داران است، با اینهمه همین لایحه قانون کار ارتجاعی هم با مخالفت شورای نگهبان روبرو شده و به موضوع کشاکش سیاسی و عقیدتی حساسی میان مسئولین وزارت کار و "خانه کارگر" زبکسو و شورای نگهبان از سوی دیگرتبدیل شده است. بگونه ای که مسئولین وزارت کار با ابراز نگرانی از مشکلات ناشی از اخذ قانونی و نا معلوم بودن سرنوشت این قانون (از نظر توجیه عملاً) و از مضمون قانونگذاران "در رژیم جمهوری اسلامی شکر می کنند، مصلحتی که بدون شک، جلوه ای آشکار از کشاکش درون رژیم ولایت فقیه و خلعت فوق ارتجاعی آن است. کشمکش بر سر چگونگی انطباق دادن قانون کار اسلامی بر احکام و موازین شرعی متمرکز شده است. حقوق مختلفی نیز در این میان مطرح بوده و هست؛ استناد صرف به احکام اولیه، احکام ثانویه، شروط ضمن عقد، باب مزارکت، مزارع، مساقات و احکام و عقود اسلامی دیگر.

در پی استقرار ولایت فقیه و تسلط استبداد نئولیکر اتیک بر مبین ما، رژیم خمینی با تمام نیروی تلاش کرد تا یک قانون کار قرون وسطایی را که بر پایه احکام اولیه در چارچوب اصل تراضی و تبادل چاره "تدوین شده بود به طیفه کارگران ایران تحمیل کند. این توطئه و تدبیرانه در اثر مکارم و دست سراسری توده های میلیونی کارگران در سال ۶۱ منتهی برآب شد. رژیم خمینی پس از این شکست مفتضحانه دست به عقب نشینی زد و بر سر چگونگی انطباق قانون کار بر اساس احکام ثانویه و شرط ضمن عقد را نیز در دستور کار قرار داد. نخستین لایحه ای که پس از زیرکانه ری توکلی تدوین شد چنین خصوصی داشت. موسوی نخست وزیر رژیم خمینی، در دفاع از آن گفت که این لایحه برخلاف پیش نویس قبلی، کارفرما را به بخش خصوصی راجع به رعایت حقوق کارگران ملزم می کند. چون طبق موازین "شروط الزامی ضمن عقد" استفاده سرمایه داران از امکانات و خدمات دولتی مشروط به رعایت این حقوق از جانب آنهاست. او تا کذب کرد که به این ترتیب قانون ضمانت جرایمی پیدا می کند و تا مین حقوق کارگران به رفاهت کارفرمایان منحصر و مشروط نمی گردد.

اما این "راه حل" های بدوی، شرعی و عهدی و ابتکارات حقوقی و شرعی، مشاهدات نیز گریه از مشکل رژیم نشود، بنحوی که خود سردمداران وزارت کار نیز سرانجام به آن اعتراف کردند. محمد سلامتی معاون راجع به وزارت کار و امور اجتماعی، طی مباحثه ای در گنبد گفت: "تلقی کردن قانون کار به عنوان شرط الزامی ضمن عقد به از استفاده از امکانات و خدمات دولتی، راهی اساسی و موثر برای تنظیم درست روابط کار بنظر

مسی رسد." او همچنین درباره "محدودیت ها و مشکلات ناشی از استناد به احکام ثانویه" گفت: "یک راه حل این است که این لایحه بر طبق احکام ثانویه مورد بررسی و تصویب (نهایی) قرار گیرد. بدین معنا که... فعلا ضرورت اقتضا می کند که امتیازاتی بیش از آنچه که کارفرما میسر است رفاهت دهد، برای کارگران قابل شمول و حکومت برای مدتی این امر را به صورت قانون تحقق بخشد. این کار شایسته این است که در حالت مادی، خوردن گوشت مرده برای مسلمانان جایز نیست، ولی خوردن شرایطی که تا چار شود، یعنی در صورت عدم استفاده مخرم پذیرد برای شمول و شایسته باشد در درجه ای از تلف شدن نجاست باشد، اما چار خوردن گوشت را دارد. بعضی رت دیگر، مناسبات حقوقی ناشی از مالکیت خصوصی و استثماری کارگرو توسط سرمایه داران نظیر شروع، مقدس بوده و دست اندازی به حریم آن بر کارگر حرام است. اما در شرایط اضطراری، مصلحت سرمایه داران و دولت حامی آن در آن است که بسرای حفظ اساس روابط موجود، بطور موقت و مشخص اعطاف نشان دهد.

معاون وزیر کار رنیز می داند که معنای استناد به احکام ثانویه پمنا به یک "راه حل" چیست، لذا با اشاره ای به "محدودیت ها و تراسی های" آن سرتو قضا را اینطور بهم می آورد که: "در صورت استفاده از احکام ثانویه برای لایحه کار، به لایحه قانونی حاصل، موقتی ونداری محدودیت زمانی (معمولاً ۵ سال) برای اجرا خواهد بود که در این صورت موجب تزلزل و بی ثباتی و عدم امکان بر بنا به مزب دروا ده های تولیدی و خدماتی گردد و... بنا بر این استفاده از احکام ثانویه بمنظور تصویب وعرضه قانون کار نه تنها دردی را دوا نمی کند بلکه مشکلات را نیز افزایش می دهد.

در حال آنکه تصویب نهایی لایحه را به بن بست مواجه کرده، ضوابط شورای نگهبان است، در این رابطه، معاون وزیر کاری گوید: "چنانچه تصویب این لایحه در شورودوم آن در مجلس هم عملی شود، لیکن با وضعی که در (مبارت مفاد آن بسا احکام اولیه، عدم استفاده از احکام ثانویه و شروط الزامی ضمن عقد) تصویب آن در شورای نگهبان قطعاً با بن بست مواجه می شود. لذا مسئولین وزارت کار از شورای نگهبان می خواهند که: "در صد کشف و راز به راجع های مناسب در عین حال شرعی برآید. تا از این طریق، سریع تری به حل معضلات و مشکلات ناشی از اخذ قانونی نایل آیم." اما راهی را که مسئولین وزارت کار تویتنیز "خانه کارگر" برای خروج از بن بست قانونگذار موجود "کشف کرده اند، استفاده از باب مشارکت است. آنها اینطور استدلال می کنند که: "اگر تصویب کردنی تولید وعرضه خدمات رادروا ده های ذیربط در ارتباط با سرمایه داران و مدیریت وی، نیروی کار (کارگر) و امکانات و خدمات عرضه شده توسط دولت (آب، برق، تلفن، سوخت، سیستم داری وغیره) بدان گونه که یک واقعیت عرقاً به حساب ترده است. پس در حقیقت علاوه بر کارفرما و کارگر دولت نیز به لحاظ مادی و خدماتی در امر تولید و عرضه خدمات و احداث رکت دارد. حال وقتی دولت،

دولت مستضعفین است، پس می تواند سهم خود را در ارتباط با نیروی کار را رگر قرار دهد. لذا ما در واقع دروا ده های تولیدی و خدماتی مواجه بسا دوشریک هستیم از یک طرف کارفرما و سرمایه دار و از طرف دیگر کارگران و امکانات و خدمات دولتی، از اینرو رابطه کارگرو کارفرما می تواند رابطه دوشریک باشد. این تحلیل، کارگرو کارفرما مشترک می توانند در شمول و احدها تصمیم بگیرند. و در مورد مسایل مختلف نظیر مساقات کار، سهم کارفرما و کارگرو غیره نیز همینطور، با این پیسند اصول حاکم بر قانون کار تحولی بنیادی پیسند خواهد کرد.

طرح عوا مریبانه نه "شرکت کارگرو کارفرما" که روایت اسلامی و شرعی اصل ارتجاعی و ورشکسته "آشتی طبقاتی" است نه می تواند کسی را فریب دهد و در راهی از بار برداشتنی رژیم و بحران دامنگیران برای تحمیل قانون کار ارتجاعی به کارگران بکا هد، پس از شکست تبلیغات درگنبد وزارت کار و خانه کارگر حول " طرح انقلابی و اسلامی" و گذارن سهام کارخانجات به کارگران، این دومین "ابتکار بدیع و شخول آفرین" است که راجع به آنها عرضه می شود. همه می دانند که "دولت مستضعفین یعنی دولت خدمتگزار آخوندها و سرمایه داران و سهم کارگرو دولت" چیزی نیست جز استعمار و غارت، شکنجه و سرکوب. این ادعا که کارفرما سرمایه دار یک طرف، دولت و کارگرو طرف دیگر است، کلاه گشای است که مسئولان سرمایه یه سرور وزارت کار برای گذاشتن سرکارگرو در دست خود ساخته اند. این یک دروغ بزرگ است، چرا که سرمایه داران در کشف حمایت سرنیزه دولت ولایت فقیه است که زندگی را بر طبقه کارگران بران سپاه میکنند. حال، سردمداران عوا مریبانه و شمشه با وزارت کار می خواهند بر این خشت گنبد، بنا و از گونه "شرکت کارگرو کارفرما" را برپا نگه دارند. و نیز خود کارگرو را نیز از بن بست قانونگذار رژیم، رژیم بندی. کارگران میهن ما، همچنانکه طرح ارتجاعی "فروش سهام کارخانجات به کارگران" را افشا کردند، به این گونه طرح های عوا مریبانه نیز پاسخ خواهند داد. شکتی خود نهادند. کارگران پیشرو و آگاه باید ضمن افشای توطئه های رنگارنگ رژیم علیه طبقه کارگر، برای توده کارگران توضیح دهند که چرا رژیم ولایت فقیه از تدوین یک قانون کار، دمویکراتیک عاجز است و چرا علیرغم همه شخبات (اعمال کارگرو اولیه و تالیف و توسل به شرع اسلام به شکل صورت) قادر به خروج از این بن بست نیست. آنها باید ضمن توضیح و تبلیغ بگرو مستمر چگونگی تدوین یک قانون کار مترقی به توده کارگران و وسعا توضیح دهند که تا رژیم ولایت فقیه با برجاست، دستبایی به یک قانون کار دموکراتیک غیر ممکن است و برای دستبایی به این قانون باید میانه رزده در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را شدید کرد.

واترگیت ریگان

۲۳ اکتبر سال جاری (اول آبان) سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا طی مصاحبه ای مجدداً اعلام کرد که آمریکا در جنگ ایران و عراق کماکان موضع بی طرفانه دارد و از زه نخواهد داد که سلاحهای آمریکایی به طرفین متخاصم فروخته شود. او بویژه بر مخالفت آمریکا با تحویل سلاح به جمهوری اسلامی تاکید کرد. اشارات به پشت پرده آمریکا با جمهوری اسلامی - که چند روز پس از آن انجام گرفت، بار دیگر دروغ پردازی کاخ سفید نشان را به آمریکا بی نشان داد.

افشای فروش سلاح به جمهوری اسلامی، پرده از سیاست عوام فریبانه دولت ریگان برداشته و نشان داد که امپریالیتهای آمریکا بی درسی تبلیغات عوا مریبانه - چگونسته سیاست تخاصم و کارانه و نظامی می گرانه خود را پیش می برند و چگونه می کوشند با دروپی، دروغ و گویی و خلافکاری های بی پایان نقش ارتجاعی خود را در دامن زدن به جنگ ایران و عراق و ادا میافتن آن از چشم مردم آمریکا و جهان بنهان سازند. بنشابه به اعتراف مقامات آمریکایی و اسرائیلی - که در این معامله نقش دلال واسطه را داشته اند - فروش مستقیم سلاح به جمهوری اسلامی قتل ۱۸۰ ماه پیش از زنده است. روزنامه "واشنگتن پست" فاش ساخت که "آلسکا درهنگ" وزیر پیشین امور خارجه آمریکا حتی از سال ۱۹۸۱ اجازه فروش اسلحه به ایران را به دولت اسرائیل داده بود. طی این مدت دهها میلیون دلار سلاح آمریکایی از راه های مختلف به رژیم حاکم ایران تحویل شده است. روزنامه تایمز نوشت که تنها در طول سال جاری ۲۰ هواپیمای نظامی سلاح به ایران حمل شده است. افشای این تازه تر در مورد این معاملات

رسوایی دولت ریگان را بیشتر ساخت و معلوم شد که سودمآله تسلیماتی آمریکا با جمهوری اسلامی مستقیماً برای شورشیان ضد انقلابی نیکارا گوشه ای برآل شده و به همین منظور دلارهای بدست آمده به یک حساب بانکی در سوئیس منتقل شده است. موجودی این حساب بانکی که زیر نظر است، سازمان جاسوسی سیا قرار داشته، در خدمت تقویت جریان ضد انقلابی و ضد کمونیستی اجمله ضد انقلاب نیکارا گوشه، افغانستان و آنگولا قرار گرفته است. تا سس این حساب بانکی در جهست "دکترین ریگان" است که هدف آن ایجاد توطیته شورش های ضد کمونیستی در چار گوشه جهان است. فروش پنشانی سلاح به جمهوری اسلامی و کمک به شورشیان نیکارا گوشه که در دو برخلاف سیاست رسمی و اعلام شده دولت آمریکا صورت گرفته است، موجی از خشم و نفرت و اعتراض علیه سیاستهای تخاصم و زگرانه دولت ریگان در آمریکا و سرانجهان راه برده است. انحطاط وحشی ناراضی در میسای متحدین آمریکا از نیندا من زده، این رسوا یسی کم سابقه دولت ریگان را در بحران بی سابقه ای فرو برد و اعتماد آمریکا به این دستگاه رهبری ایالات متحده آمریکا را به شدت کاهش داد. دولت ریگان مجبور شد برای مقابله با این رسوایی بزرگ اقدامات شدیدی از آغاز کند.

این رسوا گسترده بیسبباً در آور چا ده رسوایی اور و ترکیت - است که به استغای نیسکون از ریا ست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۲ منجر شد و به همین دلیل مطبوعات غربی بسس رسوایی دولت ریگان نام ایران گیسست داده اند. جنجال "ایران گیت" تا آن اندازه بسالا گرفته است که انحصارات امپریالیستی آمریکا می کوشند با قربانی کردن مهره های آنرا فسر و نشانند. آنها می کوشند رسوایی بزرگ را که در دستگاه حاکم آمریکا رخ داده است به خلافکاری

افراد جداگانه مربوط سازند. هدف آنها نیز آن است که نظام فاسد سرمایه داری امپریالیستی را از آنها میرا کنند. فعلا چند نفری را قربانی کرده اند. تعدادی از دموکراتها می کوشند ریگان را قنبل از پایان دوره ریاست جمهوری ازگماست سفید بیرون کنند.

داستان "گی بود، کی بود، کی بود، من نبودم" در واشنگتن اقتدار با لگرتفته است که حتی دیگر سازمان جاسوسی نیز می خواهد برای خود را از ماجرا کناریکند. "ویلنای کیسی" رئیس ایسن سازمان جنایکار در برابریکنگره اعلام داشت که از جریان وقایع بی اطلاع بوده است. اما افشای ایچا حساب بانکی سوئیس، این دروغ و گیسسی را نیز فاش ساخت.

جریان فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و افشای گری بیرون آن هنوز ادا مه دارد. ممکن است جزئیات تازه تری افشا شود و مقامات مهمتر و بزرگتری قربانی شوند. اما قطعاً امپریالیتهای آمریکا بی تمام تلاش خود را برای رخنه بردن در سیاست "نا مقدس" سرمایه داری امپریالیستی آمریکا در این میانه نگه دارند. همگساری نا مقدس که بین دولت تروریست ریگان و رژیم تروریست خمینی برای ادا مه جنگ وجود دارد و تحکیم می شود، از ما هیبت سرمایه داری دور رژیم و از خلعت ارتجاعی آنان میاید میگیرد. واترگیت ریگان به روشن ترین وجهی نشانگر تحسب د نا مقدس سرمایه داری جهانی علیه خلق نیکارا گوشه سرکوب انقلاب افغانستان، انقلاب آنگولا و خدمت نا من زدن به آتش جنگ ایران و عراق، گسترش شورشهای ضد کمونیستی و در یک کلام دشمنی کینه تورا نه سرمایه داری جهانیه به رهبری امپریالیتهای آمریکا بی علیه جنبش های کمونیستی و انقلابی در سرانجهان است.

توطئه... هرگاه به ادا منتهی رکا ت چند سالی در رژیم برای سازماندهی این یورش توطئه کنیم، هرگاه توطئه کنیم که فقط طی ماه های تابستان ساواک خمینی حدود ۵۰۰۰۰ افشا خلی را بپوشانیم، این یورش ها تا نگاهای ربوده یا رسا با زداشت کرده است، هرگاه توطئه کنیم که رژیم دستگای های اطلاعاتی آن برای ضربه زدن به ادا منتهی رکا ت در زمان ساواک قائل بوده است را در نظر آوریم و با لاجرم اگر توطئه کنیم که جناحی با این وسعت از چشم مردم پنجهان نخواهد آمد، ندا بین سئوال به گونه ای جدی تر در ذهن هر عنصر ساواک مطرح میشود که چرا رژیم میگوید جناحیت بزرگ خود را از سر مردم پنجهان کند؟

دلایل این تا کتیک رژیم اشکارساز است، نظر به نقش و تاثیر عملی و ادا منتهی رکا ت از مسلمانان در مجموعه جنبش انقلابی در کشور در لحظه کنونی، جنبشی که امپریالیسم آمریکا و قیامنامه آن را "خطر شوری" نامیده است، سرکوب آن عملا به صورت یکی از تجهیزات و وظایف مهم رژیم برای ترغیب امپریالیسم و ارتجاع به حمایت از رژیم در جنگ و برانگیختن تمایل آن به حل و فصل مسائلی بسیار بین در آمده است. اگر سرکوب حزب توده ایران در سال ۱۹۶۰ و جناح بزرگ ضد شوری از پی آن دقیقاً چراغ سبزی بود که ادا دگی رژیم را به معنا ملموس و سازش با امپریالیسم آمریکا اعلام می کرد، امروز نیز یورش به سازمان گامی است که امپریالیسم اسرائیل و امثالهمرا بیشتر از گذشته به رژیم مطمئن می سازد.

وضع امروز با سال ۱۹۶۱ متفاوت است. ۴۰ سال پیش فقط فعالیت جنبش انقلابی بودند که درک می کردند که یورش به حزب چراغ سبزی آمریکا است رژیم هنوز در وضعی بود که علناً بر حسب "جاسوسی" را خرج می کرد، این حساب که توطئه ها کمتر به چشم زدن آن به شیطان بزرگ می افتد، اما امروز در این گیرودار که اقتضای روابط پنجهانی برآمده و رژیم مذبحها به بی درنگی را بر تانگه اقتضای سیاسی کرده است، با توطئه به سلب اعتماد وسیع مردم از رژیم و با توجه به حدشنات آن، هر نوع اثراهای یورش بر بر منتهی رکا ت سازمان انگس آن، درجا همه بسیار بیشتر از آنچه انتظار می رود، اما هیت دغل کارانه رژیم در چشم توده ها افشای کند.

در لحظه ای که رژیم برای حفظ نقاب فساد امپریالیستی بر چهره اش در دشوارترین شرایط قرار گرفته است نمی تواند علیه پیگیرترین و فعالترین نیروی ضد امپریالیست کشور، نیروی که سابقه ای درخشان در پیگیری علیه امپریالیسم آمریکا را در راست و جزا تا کتیک سرکوب در تانگه ریکی تا کتیک دیگری را به خدمت بگیرد، رژیم امروزه حتی جرات نمی کند علت واقعی با زداشت مودی ها همی راهم بر زبان آورد، چگونه می تواند خبر یورش به سازمان را به اطلاع مردم برساند؟

اما پنجهان کردن خبر با زداشت ها و استفسارده وسیع از شیوه ربودن پنجهانی فعالین دلایل تا کتیک معینی نیز زداشته است. پنجهان کردن خبر دستگیریهایی فرمت می دهد که به نفع خود را برای ادا منتهی رکا ت در ختن فعالین تشکیلات، برای شکنجه طولانی مدت و مرگباری برای اعتراف کشیدن از با زداشت شدن، برای کمال کردن نقشه ضربه جگر گیر رژیم همین امروز نیز هنوز ادا رده است، استفاده از همین حقه ادا می دهد.

بعلاوه وضع طوری شده است که دیگر مدتهاست که انگس از خبر جناحیت از رژیم علیه انقلابیون در میان مردم نفرت و انزجار نسبت به رژیم و روحیه حمایت و نیک خواهی نسبت به انقلابیون را ادا منتهی رکا ت رژیم مدتهاست که حتی خیرا عدا میا را هم پنجهان میکند. مجموعه این عوامل و انگیزه ها باعث شده است که رژیم وحشت گرفته خمینی خبر ربودن مدتها فدائی را پنجهان کند، همما نظیر که خیرا عدا همما اعتصاب غذا و صدها جناحیت دیگری که هر روز مرتکب میشود پنجهان میکند.

تا کتیک شناخته شده "سرکوب در تانگه ریکی" را تنها می توان با سازماندهی یک بیگانه روسی و همه جا تبه در سطح کشور و در عرصه بین المللی که در هدف جناحیت از زدن انبیا ن سیاسی و در افشای زیر و بم تمام جناحیت رژیم با زما می با بدبا شکست مواجه ساخت، با یاید با تانگه رکا ت مکانات و ادا رده صفا کار ادا رده، امروز فعالین افشاگران و تبلیغی در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه هر یک از جناحیت رژیم هیت می فوق العاده با افتخار ادا کنون لحظه ای است که با بدبا تمام و نیرو برای حمایت همگانی و برای پشتیبانی بین المللی از زندانیان سیاسی و برای سازماندهی اعتراض همگانی علیه ترور و اختناق خاکیم بر کشور با خیزیم.

نا بودی ارگانهای سرکوبگر، خواست مردم است

مشولین رژیم امسال را "سال تشبیت وضع کمیته ها" اعلام کرده اند. طی دوما گذشته ۱۸ کمیته جدید در تهران و ۸ گلوگا تازه در راههای ورودی و خروجی آن ایجاد شده است. بر اساس مصوبه شورای عالی دفاع ۱۲۰۰۰ تن از مشولین وظیفه سال در اختیار کمیته ها قرار گرفته است، علاوه بر بودجه خود کمیته ها، مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال دیگر از بودجه جنگ نیز به کمیته ها اختصاص یافته است.

سراج الدین موسوی، آخوند تبهکاری که در مقام فرماندهی کل کمیته ها، طی ماه های اخیر شهرهای مختلف کشور را برای توسعه شبکه جناحیت دوزخ برپا نهاده است، اعلام کرده که مشولین است امنیت کشور به عهده کمیته ها گذاشته شده و از این نظر با بدبا دگانهای در اختیار این نهاد قدران گیرند.

جنگ و سرکوب نه بعنوان دوا مرگدا گانسه بلکه بعنوان دویخ از یک سیاست، در سرلوحه اقدامات رژیم قرار دارند.

رژیم خمینی به همان میزان که مورد نفرت فزاینده مردم قرار می گیرد، برای مها را این اعتراضات و برای سرکوب انقلابیون و بویژه انقلابیون کمونیست، پیش از پیش ارگانهای تبهکار و روحنا بیت پیشه ای چون سیا، کمیته های اطلاعات را گسترش می دهد و امکانات جدید تتری برای آنان مهیا می سازد.

رژیم خمینی ادا می کند که با اتکا به چنین نهاد های دزدانه است که "امنیت" را درجا همه حکمفرما سازد. توده های مردم در تجربه روزمره خودشان دریا فته اند که این نهادها نه فقط "امنیت جا همه" بلکه نگهبان "امنیت" رژیم جناحیت پیشه خمینی، "امنیت" سرمایه داران، ملاکین و مرتجعین اند، این ارگانهای مسز دور و تبهکار خود مهم ترین عامل عدم "امنیت" در جامعه اند.

امروز دیگر نام "کمیته چی"، "پاسدار"، "انجمن اسلامی" صدبار بیش از نام "ساواکی" نفرت مردم را بر می انگیزاند. مردم خواستار انحلال و انهدام کمیته های سرکوب رژیم اند.

در تدارک قتل عام جدید

اصرا خمینی بر ادا منتهی رکا ت در جنگ را به بمباران شهرها و مناطق مسکونی دوزخ و توطئه ها داده است. در حملات هواپیما و موشکی خمینی و صدام مدتها از زحماتکشان ایران و عراق به خاک و خون غلطیده اند. هواپیما های عراقی بدون هیچگونه مانعی بر فراز شهرها و روستا های کشور ما پرواز می کنند در حالی که جماران، محل زندگی سا برسان رژیم و مناطق مهم نظامی ما دفاع نیرومند خود را با توطئه می شود، صدام با استفاده از برتری نیروی هوایی خود، توده های مردم را گروه گروه کشتار می کند. طی هفته های اخیر شهرهای جنوبی و غربی کشورهای ایران و عراق ها صنعتی ایران هدف بمبارانهای وحشیانه تر قرار گرفته اند. سران خائن رژیم مردم بی دفاع را تنها به ایستادگی و مقاومت دعوت می کنند و خود با روش مابهی به کشتار و زحماتکشان عراقی مشغولند.

جمهوری اسلامی به زور سرزنش و تبلیغات عوام فریبانه بسیج گسترده نیرو برای دست زدن به "تجاهم بزرگ" را ادا می دهد. در جریان "هفته بسیج" یکصد هزار جوان دیگر را به نام "سایه ن محمد" به جبهه ها اعزام کرده اند. علیرغم تبلیغات عوام فریبانه رژیم مبتی بر "شکرت دای و طلبانه جوانان در جنگ" اکثر بیست عمده کسانی که به جبهه ها اعزام می شوند، یا به زور سرزنش و یا بدلیل فشارهای کمتر شکن اقتضای - مجبور می شوند که به جبهه ها بروند. قوانین شدیدی که علیه سرپا زان فسراری و مشولین وضع می شود و تشدید بگیری و بنده جوانان، خود عمده ترین دلیل اعزام اجباری جوانان به جبهه ها است و با سرپا زان های رژیم دربار به استقبال جوانان از جبهه های جنگ را افشای کند. در هشتم آذر ماه با ردیگوزارت کشور کلبه نهادهاست ارتجاعی و سرکوبگر را به دستگیری فراریسان جنگ موظف ساخت. در بخشنامه وزارت کشور گفته می شود که کسانی که خود را معرفی کنند ۳ ماه و کسانی که دستگیر شوند، ۶ ماه امان خدمت خواهند گرفت. از این پس همه جوانان ملزمند که مدارک سرپا زان

خود را همواره به همراه داشته باشند. برای اجرای این بخشنامه با سازمان و کمیته ها و ادا رده همما در کارخانها و مزارع و کوچوها و خیابانها، سینماها و اما دیومهای ورزشی جوانان را استگیری می کنند و یکسره با دگانها و جبهه ها اعزام می دارند.

اکنون بسیج نیرو به مرحله خطرناکی رسیده است. رژیم صدامها را بر تفرار در مرزها متمرکز کرده است و آماده می شوند به حمله ساری تازه ای دست بزنند. این حمله، حمله ای فاجعه آفرین و سخت خونین خواهد بود. رفسنجانی چنانکه در ۲۰ مه رسا ه گذشته اعتراف کرده عملیات بزرگ "حما تلفات زیاد ی به همراه خواهد داشت" اکنون او اعلام کرده است که در اسفند ماه این حمله انجام خواهد شد.

اوضاع کنونی جبهه و اقدامات جنون آمیز خمینی همما انگران کرده است. رژیم خمینی هر گونه تلاش صلح طلبانه ای را بی اثر گذاشته است. قطعنامه جلسه اضطراری شورای امنیت در اکتبر گذشته که خواستار "قطع فوری جنگ ایران و عراق" شده بود، با زهم از سوی جمهوری اسلامی رد و فرستاده شد. "صلح را" خطرناکترین حرف دشمنان "خواند. جنگ طلبی خمینی اوضاع منطقه را سخت خطرناک کرده است. رژیم که از بیماران جزیره لارک توسط عراق با احتمال کاهش بیشتر در صدور نفرت سخت خشمگین و زخم خورده است حملات تبلیغاتی تا زما ی متوجه برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و بویژه کویت ساخته است. جمهوری اسلامی این کشورها را بدلیل همدستی با عراق در حمله به لارک "اشکارا ا تهدیدی کند و از احتمال گسترش جنگ سخن می گوید.

جنگ طلبی خمینی و وخامت بیش از پیش اوضاع منطقه شرایط مناسب را برای امپریالیست ها فراهم آورده است تا بطور متب بر حضور نظامی خود در منطقه بنشینند و رژیمهای ارتجاعی منطقه را با انا ع سلاح و کمک های مالی تقویت کنند. آمریکا به بهانه تانگه رکا ت از طریق ارسال سلاح جای پای خود را در جمهوری اسلامی محکم می کند.

اکنون اشکارا رنده است که آمریکا بیجا تا چه حد در ادا منتهی رکا ت در جنگ دینفند و رژیم خمینی را با انواع سلاحها و ادا مدهای غیبی تجهیز می کنند تا بتوانند به جنگ ادا مده. ماه پیش نیروهای انگلستان و عمان نیز در منطقه ادا مده است. ۲۴۰ کیلومتر با منطقه جنگی قلمه ادا مده، دست به ما نور

مشترک زدن. در این ما نور ۵۰۰۰۰ سرپا زانگلیسی و هزاران سرپا زان عمانی شرکت داشتند. واقعات نشان دهنده آن است که هدف از این ما نور عملیات دیگرانه "مقابله با گسترش جنگ ایران و عراق" بلکه برافروختن بیشتر آتش آن و نظمی کردن منطقه است.

دربار بر این سیاست جنگ طلبانه امپریالیستی، سیاست صلح جو یا نه انا خا شوری و دیگر کشورها و نیروهای ترقیخواه جهان قرار داد. کشورهای سوسیالیستی خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق هستند.

امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران با جنگ مخالفند. اما علیرغم این مخالفتها خمینی همچنان جنگ را ادا می دهد. خمینی دشمن صلح است و از این جنگ دل نخواهد کند. تنها با گسترش مبارزه می توان جلوی ادا مدهای جنگ و تهاجم بزرگی را که رژیم در صدد اجرای آن است و به قیمت قربانی شدن دهها هزار تن دیگر تمام می شود، گرفت. عدم پرداخت کمک مالی، گسترش تبلیغات و مبارزه صلح طلبانه در جبهه ها، مقاومت دربار برای اعزام های اجباری و خشناسی کردن نقشه رژیم برای بسیج یک میلیون نفری تا کتیکهای است که امروز از طرف مردم زحمتکش و جوانان برای مقابله با جنگ بکار گرفته می شود. این تا کتیکها به رژیم و نقشه های جنگی آن ضربه بزرگی می زند و زمین نظریا بده چره بیشتر آنها را بکار گرفته، اما این تا کتیکها به تنها بی نمی تواند رژیم را مجبور به قطع جنگ سازد. برای پایان دادن به جنگ با یدا اعتراضات همگانی توطئه ای را گسترش داد. رژیم خمینی قادر نیست دربار بر آن مقاومت کند. در مبارزه علیه جنگ با یاید پیش از پیش بسیج طبقه کارگر را به محور فعالیت تبدیل کرد. توضیح جنگ با یاید با یاید، نقش جنگ در بدبختی عمومی مردم و چپاول و غارت سرمایه داران بزرگ و سرکوب آزادی ها و بویژه توضیح رابطه جنگ با وخامت روز افزون وضعیت مادی طبقه کارگر، اغراجهای دسته جمعی، دست زدنهای اندک، گرانسی و تسخیر می شود طبقه کارگر را بعنوان نیرویی متحد و قدرتمند پیش از پیش دربار بر جنگ و رژیم قرار دهد و افاق برقراری صلح را در یک بیکار جدی علیه رژیم در میهن ما روشن سازد.

مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی

کنترل تلفنی و راه مقابله با آن

تلفن یکی از وسایل ضرورتاً در تمام ارتباطات سازمانی است. استفاده از تلفن بعنوان وسیله‌ای سریع و مستقیم برای ارتباط میان افراد و سازمانها، پیشبرد امور کمک کند. اما با بیدار شدن ذهن دشمن نسبت به کنترل تماس‌های تلفنی، قدا رت در جریان بسیاری از مسائل حساس، بر تها هم‌سوا دستورالعمل‌های مطروحه در روابط یک تشکیلات مخفی قرار بگیرد. در این بین وظیفه مسئولین سازمان است تا با شناسایی این امکان وجود دارد که دشمن در زمانی کوتاه - حتی در همان حین گفتگویی تلفنی - به محل تلفن دست یافته و به سادگی مبادرت به زدن و زدن نماید.

تاکنون استفاده نادرست از تلفن منشأ ضربات جبران ناپذیری به سازمان‌های انقلابی بوده است. هم‌سوا با آگاهی از اهمیت ارتباطات و اهمیت رژیم خمینی توانسته است با استفاده از کم‌اطلاعی مابین سازمان انقلابی از سیستم‌های پیشرفته کنترل تلفنی و بی‌احتیاطی آنها، به اطلاع رساند. سازمان‌های مهمی در مورد سازمان‌های انقلابی دست‌یابی به وسایل اساسی برای جبران ناپذیری به آنها نیاوردند. سواک‌شاه در سال ۵۵ - ۵۴ موفق شد از طریق کنترل یکی از تلفن‌های لورفته سازمان، مابین اطلاعات وسیعی دست یافته و ضربات جبران ناپذیری بر سازمان وارد آورد. بمسئولان انقلاب نیز آگاهی از اهمیت رژیم خمینی کنترل مراکز تلفن، افزودن کارها و پرسنل لازم و بکارگیری دستگاه‌های پیشرفته کار سواک‌شاه دنبال کرده و از کنترل تلفن، برای ضربه زدن به سازمان‌های انقلابی و سیفا استفاده نموده است. رژیم تویژه توانسته است با بهره‌برداری از بسیاری از کنترل تلفن‌های داخل و خارج داشته باشد. چرا که تعداد محدودی از تلفن‌های خارج و همکاران سازمان‌های سیاسی امپریالیستی بسا رژیم توانسته است امکان بهره‌گیری موثر از کنترل تلفنی را برای او فراهم آورد.

اکنون کنترل تلفنی در سطح گسترده بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است. رژیم خمینی هیچ ابایی از آشکار شدن دامنه استراق سمع تلفنی ندارد و در گوشه‌های پنهان اقدام خود برای ارباب و جلوگیری از انتقال سریع اخبار را با بی‌سواسی و حرکات شده‌ای بین مناطق مختلف ایران و بین داخل و خارج استفاده کند.

اهداف عمده رژیم از کنترل‌های تلفنی عبارتند از:

- ۱- بدست آوردن اطلاعات در مورد اعضا و فعالان سازمان‌های انقلابی و بخصوص حلقه‌های ارتباطی و مراکز این سازمان‌ها در داخل و بیرون کشور.
- ۲- کسب اطلاع از نقشه‌ها و اقدامات سیاسی سازمان‌های انقلابی.
- ۳- اطلاع از میزان تارخا بی و نظرات مردم.

چگونگی کنترل تلفن‌های داخل کشور:

در توضیح از این امر کافیست سیستم ونحوه کنترل تلفنی در مرکز تلفن تهران را بررسی کنیم. تعداد انشعابات تلفن در تهران تا سال گذشته ۶۰۰/۰۰۰ می‌باشد. به سبب این از این تلفن‌ها با سیستم جدید کار می‌کنند و بقیه آنها طبق سیستم پیشین شماره‌های از پیش تعیین شده با سیستم مپیوتری هستند. این سیستم قدا رت کلیه مکالمات و شماره‌های تلفن طرفین مکالمه را - در صورتی که تلفن‌هایی که قرار است زیر نظر قرار بگیرند بسا مکالمات آنها طری استراق سمع مشکوک شده‌اند - به سادگی و توسط حافظه کامپیوتری خود ضبط و ثبت شده‌اند. نکته مهم اینست که این تلفن‌ها در حین کنترل نیز علائم مشخصه قابل تشخیص ندارند. شماره‌های عرقمی تلفن‌های هستند که همچنان با سیستم منفاطیسی کار میکنند. ثبت مکالمات و شماره تلفن‌های گرفته شده توسط این تلفن‌ها به کمک دستگاه‌های مخصوص که هر لحظه قدا رت در به ضبط هزاران تلفن میباید شود توسط دستگاه‌های کوچکی که روی شماره مزیورسوار می‌باشد انجام می‌گیرد. دستگاه مزیورسوار بر دانه شدن گوشی تلفن بلافاصله به کار افتاده شماره‌های گرفته شده را در روی کاغذ ثبت و مکالمات انجام شده را نیز بر روی ضبط مینماید. اما دستگاه‌های یاد شده قدا رت در تعیین تلفنی که به شماره مورد کنترل زنگ زده است نیست. نمی‌باشد. این کار نیز بر توسط ما موریسن کنترل مزیورسوار انجام می‌گیرد. در تمام این اشخاص ابتدا فرد کنترل کننده با دنبال کردن اشخاص تلفنی در مرکز تلفن، منطقه آن را مشخص میکند، که دو شماره اول تلفن معلوم می‌شود، سپس بسا ما موریسن آن منطقه تماس می‌گیرند و سپس بر بررسی اشخاص در منطقه، دو شماره وسط تلفن را معلوم میکنند و با آخرین شماره

به جعبه تلفن‌های محلات مراجعه میکنند و شماره آخر تلفن نیز مشخص می‌شود. مجموعه این کار می‌تواند در حدود ۲ تا ۳ دقیقه انجام می‌گیرد. در تلفن‌های منفاطیسی و قتیکی کنترل کننده بسا گوش دادن وضبط مکالمه روی خط تلفن می‌شود. صدای ضربات مخصوص در تلفن بگوش رسیده، بسا صدای تلفن اندکی ضعیف می‌شود که در صورت دست می‌توان به کنترل تلفن پی برد.

چنانکه گفته شد دستگاه‌های یاد شده وسیعاً مپیوتری تلفن قدا رت در مکالمات تلفن‌های معین شده را ضبط نموده و آنها را با شماره‌ها و آرنیز که به آن زنگ زده است مشخص می‌کنند. لیکن بخش دیگری از کار کنترل که تعیین مکالمات مشکوک است تنها توسط مزیورسوار رژیم که در مراکز تلفن مستقر هستند میسر می‌شود. این کار که غالباً متولین جنکی و اقران حزب الهی هستند، کارشان گوش دادن به شماره‌های تحت نظر و یا تلفن‌های مختلف مردم برای کشف وضبط مکالمات مشکوک است. در مواردی هم که کنترل مکالمات مشکوک حساسیت برخوردار باشد، مزیورسوار و خود مسئولین امنیتی مستقیماً بر تلفن مزیورسوار و کنترل مپیوتری می‌باشند. علاوه بر این مرکز تلفن تعدادی خط آزا وجود دارد که به مراکز سازمان‌های امنیتی رژیم متصل هستند و هر وقت آنها بخوانند می‌توانند از طریق خط‌های مزیورسوار تلفن‌های مورد نظر خود برونند.

ما موریسن کنترل علاوه بر تلفن‌های تحت نظرس، مرشای تلفن‌های مختلف مردم می‌روند تا از گفتگوهای آنها مطلع شده و احیاناً مکالمات مشکوک را کشف کنند. ما هه شده است که هر چند وقت یکبار تلفن‌های منطقه‌ای از تهران برای مدت چند روز به زیر کنترل گسترده برده می‌شوند. این امر به منظور پیدا کردن تلفنی‌های مهم و یا کنترل عموی تلفن‌های منطقه صورت می‌گیرد. تلفن‌های مناطق حساس کشور، تلفن برخی ادارات و ترفیک غیرعادی تلفن منازل نیز از جمله مواردی هستند که مورد توجه و کنترل خاص قرار می‌گیرند.

البته روشن است که کنترل اتفاقی تلفن‌های تهران با توجه به کثرت شماره‌ها و آن، در عمل نتایج چندانی در زیاد نمی‌تواند داشته باشد. لیکن کنترل تلفن شهرستان به علت شماره‌های محدود و ترفیک کم می‌تواند نتایج معینی داشته باشد. بدین لحاظ با یستی در برقراری ارتباطات سازمانی از طریق تلفن در شهرستان و بیسیس شهرستان و تهران، محدودیت و دقت با زهم بیشتر را ملحوظ داشت.

چگونگی کنترل تلفن‌های داخل و خارج:

این تلفن‌ها به نسبت تلفن‌های داخلی کشور در مقیاسی که ملا مقنا و زیر نظر قرار داشته و به شدت مورد کنترل می‌باشند. محدودیت کار آنها با تلفن‌های خارج نیز به رژیم این امکان را می‌دهد که با گذاردن ما موریسن خود روی خطوط تلفن‌های خارج، به استراق سمع تقریباً تمامی تلفن‌های داخل و خارج (بویژه در ارتباط با کشورهای معینی که مراکز ارتباطی و رهبری سازمان‌های انقلابی در آن قرار دارند) دست زده و هر مسورد مشکوک را بلافاصله ضبط نماید.

دستگاه‌های مستقر در مراکز ارتباطی با خارج بطور معمول و جدا از کار کنترل نیز شماره‌های مکالمات داخل به خارج و مدت مکالمه را ثبت مینماید که در صورت حساب تلفن برای صاحب تلفن فرستاده می‌شود. بدین ترتیب روشن است که شماره هر تلفن و شماره تلفن خارجی که توسط او گرفته شده براحتی در اختیار مزیورسوار کنترل کننده قرار دارد. آنان با استراق سمع مکالمات، موارد مشکوک را معین وضبط نموده و به ما موریسن گزارش می‌کنند. علاوه شماره‌های "لورفته" تلفن‌های خارج نیز از قبیل در اختیار اپراتورهای تلفن و ما موریسن کنترل قرار داده می‌شود که هر س با آنها تماس بگیرد، بلافاصله گزارش شود تا اقدامات لازم صورت گیرد.

در مورد تلفن‌های خارج به داخل کنترل‌های قدا رت در مکالمه و یا تشخیص صدای افراد مشخصی که پیش از آن شناسایی شده‌اند، تلفن‌های مشکوک را معین نموده وضبط می‌کند. در اینجا نیز شماره‌های که از خارج به آن تلفن شده، به راحتی ثبت و مشخص می‌شود، اما شماره تلفن کننده بسا دستگاه‌های پیچیده تروپا همگاری اطلاعاتی کشورهای مزیورسوار می‌تواند معلوم شود.

کنترل روی مکالمات داخل و خارج خیلی شدید است. بگونه‌ای که در مواردی حتی نسبت به مکالمات کم اهمیت و صحبت‌های خانوادگی افراد معمولی نیز پیگیری و اقداماتی صورت گرفته است.

اکنون پیشرفت تکنیک در رشته کنترل ارتباطات امکان ثبت و تجزیه و تحلیل طیفونما مکالمه تلفنی را بطور روزمره میسر ساخته است. در مراکز تلفن‌های کشورهای امپریالیستی، کلیه خطوط تلفنی، در میسرشان از دستگاه‌های بنام

بلوک‌های کنترل عبوری هستند. هر بلوک کنترل می‌تواند مدت و شماره تلفن‌های طرفین مکالمات هزاران مکالمه تلفنی را بطور همزمان ثبت و در حافظه خود نگهدارد. دستگاه‌های کامپیوتری مخصوص به بلوک‌های کنترل وصل‌اند که کلیه مکالمات ثبت شده را تجزیه و تحلیل کرده و خلاصه‌ای از مکالمات مورد نظر دستگاه‌های امنیتی را هر روز بصورت مکتوب در اختیار آنان قرار می‌دهند. بر تها هم‌سوا کار کامپیوتری مزیورسوار بر اساس اهداف کارگانه‌های امنیتی و اطلاعاتی امپریالیست‌ها تنظیم گردیده است. از جمله در این بر تها هم، کنترل مراکز عیسی و یا لورفته تلفنی سازمان‌های انقلابی خارجی که در این کشورها فعالیت دارند جای مهمی را بخود اختصاص می‌دهد. علاوه بر این دستگاه‌های کامپیوتری مدرن می‌توانند بطور اتوماتیک مکالمات مربوط بسه "نمونه صدای" داده شده به آن و یا مکالمات را که "مطالعات مین" سیاسی سازمان‌های در آن بکار گرفته، ضبط و تجزیه و تحلیل کنند. اطلاعات بدست آمده از مکالمات مراکز ارتباطی سیاسی سازمان‌های انقلابی و کمونیستی خارجی خارج و داخل جداگانه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده و در چارچوب رسمی و یا غیر رسمی فیروش اطلاعات، در اختیار کشورهای مربوطه گذاشته می‌شوند.

از مجموع آنچه گفته شد باید این نتیجه گرفته شود که تلفن بعنوان وسیله‌ای ارتباطی جهت تأمین برخی ارتباطات سازمانی با بسا بطور مطلق کنار گذاشته شود. حقیقت نیز است که استفاده بسویژه از تلفن در ارتباطات سازمانی بسا خطرناک بوده و بی تردید بسه دشمن امکان می‌دهد که کارترین ضربات را بسه سازمان‌های انقلابی وارد آورد. لیکن شناخت دقیق چگونگی کار دشمن در کنترل تلفن، انقلابیون را قدا رت تا با کار بست روش‌های درست استفاده از تلفن، موارد معینی از ارتباطات سازمانی را بدون آشکار شدن قدا رت در تعیین آن باشد. بر قرار نماید. در همین حال جدا از ارتباطات سازمانی که با دشمنی بسا کنترل می‌شوند تلفن بعنوان وسیله ارتباطی همگانی نمی‌تواند در مقیاس گسترده وجود داشته باشد. در این رابطه نیروهای وسیع علیه مردم منجر گردد. در این رابطه نیروهای انقلابی وظیفه دارند که با خشکی کردن تلاش‌های رژیم در ایجاد نگرانی عمومی در باره کنترل تلفن‌ها، امکان اشاعه هر چه وسیع تر اخبار جنبش انقلابی و مبارزات مردم از طریق تلفن را میسر سازند. البته این موضوع خارج از چارچوب مباحث ارتباطات سازمانی نبوده و باید جداگانه مورد بحث قرار گیرد. ما در اینجا با توجه به اطلاعاتی که از سیستم و امکانات کنترل تلفن رژیم خمینی در دست است، به توضیح کلی ترفنی نگاتی که با شد در برقراری ارتباطات سازمانی از طریق تلفن رعایت شود، می‌پردازیم:

الف - موارد چگونگی استفاده از تلفن در روابط سازمانی داخل

- ۱- تماس تلفنی می‌تواند جهت برقراری برخی روابط سازمانی برای حفظ ارتباط، دادن و گرفتن علامت سلامتی و خطر، اخبار طرف مقابل، انتقال برخی اخبار حساس و بیبیه‌های مهم و عاجل سازمانی به اشکال زیر مورد استفاده قرار گیرد:
- ۱- تماس‌های مستقیم تلفنی:
- ۲- از هرگونه تماس با تلفن‌های یاد شده از طریق تلفن‌های منزل و محل کار خود یا مکالمات سازمانی و نیز تلفن‌هایی که به دلایل دیگری مانند تحت کنترل باشد، اکیداً خودداری نمایند. بسا این کار باید از تلفن‌های عمومی استفاده گردد.
- ۳- هیچ رده سازمانی و سیاسی در مکالمات نباید وجود داشته باشد. مطالب مورد نظریا باید با علامت قرار دادی و رعایت شکل عادی مکالمه تلفنی گفته شود. در صورت امکان و بویژه در تماس‌های دانشم‌هاست بجای ذکر اسامی اصلی و سازمانی طرفین مکالمه، اسامی دیگری را تعیین نمود و بکار گرفت.
- ۴- در تماس با تلفنی که تحت کنترل و ردگیری قرار دارد، مدت مکالمه (حتی از تلفن عمومی) باید بسا کوتاه باشد تا دشمن امکان دسترسی به تلفن کننده را نیابد.
- ۵- تماس از طریق واسط تلفنی:

در شرایط کنونی مبارزه که اطلاع اعضا و فعالین گروه‌های سازمانی از تلفن یکدیگر بهیچوجه بسا نیست، استفاده از تلفن واسط برای تأمین برخی ارتباطات یاد شده در فوق، صحیح ترین شکل استفاده از تلفن است.

اعتراض و مبارزه در ارتش

زندگی سربازان، پرسنل نیروهای مسلح، درجه داران و افسران جزء در کما بودی و هیچ خونین میگذرد. نظام میا تبدیلشفتا پیش از جنگ آماج مرگ درجه داران هستند. آدا مه جنگ در حرکت ۶ ساله خود از روی اجساد دهها هزار ارتش میگذشته و یکصد هزار ارتش می زخمی و معلول برجای گذاشته است. مرگ حتی در شرایط آرا نسبی درجه داران است. می کنند اما رتبه ها را از آنجا که در عملیات تعرضی تصرف می رانند ۲ هزار گشته و ۱۰ هزار مجروح از واحدهای ارتشی برجای ماند.

پرسنل ارتش هیچ شعری در آدا مه جنگ ندارد. افشای ماهیت تجارک و کارانه و ارتش با جنگ و افشای وعده های نوبتی رژیم برای یکسره کردن کار جنگ آنها را بیش از پیش به مخالفت با جنگ برمی انگیزد. اکثریت پرسنل نیروهای مسلح کژیهای برای آدا مه جنگ ندارد و مطلع به خواست عمومی و مشترک آنها تبدیل شده است. ناراضی پرتی پرسنل آدا مه جنگ، اعتراضات آنها نسبت به خفقان در ارتش، ضدیت آنها با فرماندهان ارتش و استبداد رژیم و عوامل رکن ۲ و دوا برسیاسی - ایدئولوژیک، و نیز بیابین بودن میزان حقوقها در شرایط گران سرما و ور، مشکل مسکن و مشکلات مثنی به دیگر زمینه گسترش اعتراض در ارتش است.

بخش مهمی از بحران درون ارتش را تشا در ارتش با سپاه و تلاش رژیم برای اسلامی تر کردن آن تشکیل می دهد. عملکرد این تشا در ارتش را دشوارتر میکند و اعتراضات آنها را شدت می بخشد. پرسنل نیروهای مسلح نسبت به تبعیض در اختصاص بوجه، حقوق و مزایای رفاهی و حتی امکانات زیستی درجه داران بین ارتش و سپاه، دخالت سپاه در امور ارتش و اعمال زور برای برقراری قیود اسلامی در ارتش اعتراض می کنند. تنفر از سپاه و عملکرد ارتش از سوی سبوازت نفرت از فرماندهان ارتش و استبداد به رژیم در میان پرسنل نیروهای مسلح رشد می کند.

دوا برسیاسی - ایدئولوژیک و رکن ۲ ارتش با برقراری فضای گفتیش عقاید و نیز بر نظر گرفتن روابط و زندگی خصوصی افراد و تشا با سبسی عناصر انقلابی و سرکوب هرا اعتراض و مبارزه ای در ارتش، شرایط انجام وظیفه پرسنل را دشوارتر می کنند. ذهنیت عمومی پرسنل ارتش و سربازان برضد این فشا رهاست.

درجه داران، سربازان و افسران جزء، به فرار خود نهیستان نسبت به رژیم و جنگ، اینجواب آنجا از انجام دستورات نظامی سربچی می کنند و به ضروری در عملیات ارتقا می کنند. طرح شعارهایی نظیر " تهران انقلاب ایران، مسما می آیم" در مقابل شعار " کربلا ما می آیم" که توسط رژیم طرح می شود، بسیار تکرار و به پرسنل در مخالفت با آدا مه جنگ است. ترک خدمت، تقاضای بازنشستگی، باز خرید و حتی فرام آوردن اسباب آخراج خود، از جمله اشکال بسیار از مخالفت پرسنل ارتش با آدا مه جنگ است.

ضعیت کنونی ارتش وضعیت بسیار رمانا سبسی برای تبلیغ انقلابی و جلب هر چه بیشتر نیروهای مترقی و میهن پرست درون ارتش به مبارزه علیه جنگ رژیم و حمایت از آزادیهای انقلابی است. هما نظور که تجربه انقلاب بهمن نشان داد که در میان ارتش و جلوب ارتشیان میهن پرست به سوی مردم، اهمیت بسیار عظیمی دارد. با بسند کوشید تا از وضعیت مسا عدم وجود تشا کثرا استفاده بدست آید و نیروی میهن پرستان ارتشی برای نبرد علیه این رژیم شبکارا بسبب گردد. انجام این وظیفه مهم هم از طریق تبلیغ و فعالیت از سببون ارتش و هم از طریق کار آگاه هکراته و سازمان نگرانان در درون ارتش باید صورت گیرد. در راستای انجام این وظایف فعالین انقلابی درون ارتش، و بطور اخص ارتشیان آگاه و پیشرو نقش خودیژه ای دارند. ارتشیان پیشرو آگاه با بدبا بهره گیری از تجارب انقلاب بهمن، مبارزات کنونی تسوده ارتشیان را در پیوند با جنبش توده ای علیه رژیم خود که مه جنگ طلب جنبشی سازمان دهند.

علیه سپاهیان جنگ طلبانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکارا تشدید نمود. از جمله حمایت خود را از پیشنها دات صلح جهانی نه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در این زمینه ابراز میداریم. سازمان گرانای عمیق خود را از آدا مه جنگ ایران و عراق که بدست رژیم دیکتاتور صدام حسین آغاز و توسط رژیم ارتجاعی خمینی دنبال میشود، بویژه خطر گسترش ریزگری که درک گردیده است، اعلام میداریم. ما خواهان قطع فوری این جنگ خائنانه و سبب براساس صلح عادلانه و دموکراتیک هستیم.

تمام گرفته شود. این تشاها با بدبا ز طریق رفقای واسط صورت گیرد. رفقای خارج با بسند تلفنهای عمومی و یا تلفنهای کالانا شناخته شده برای برقراری ارتباط با داخل استفاده نمایند. ضوابطی که قبلا برای تماس با تلفن واسط گفته شد را اینجا نیز تماما با بدبا رعایت کرد. با این تاکید که به سبب تحت کنترل بودن حتمی تلفن، در عادی و متناسب بودن مکالمه با بدبا کثرا دقت را مبذول نمودند و نیز تکرار تلفنهای نیا بدبا وضعیت فرد واسط بکلی نامتناسب باشد.

ب- درباره استفاده از علائم قراردادی

۱- علائم سلامتی و شناسایی: شروع هر مکالمه تلفنی با بدبا علامت سلامتی و شناسایی (در صورت تا شناسایی بودن صدا) بین طرفین گفتگو در و بدبا شده و بعد از آن مکالمه آدا مه یا بد. این علائم که از قبل تعیین می شوند با بدبا گونه ای انتخاب شوند که بطورکاملا طبیعی در شرایط شروع مکالمه جای بگیرند و پلیس حتی در کنترل مداوم خود قدا در به تشخیص آنها نیابد. داشتن علائم خطری که آن نیز بصورتی عادی در مکالمه قابل ذکر باشد، حتما ضروریست. بعضا هم ممکنست بجای علامت سلامتی از علامت خطر (وقتیکه اتفاق بیفتد) استفاده نمود ولی درست تر و مطمئن تر آنست که هر دو علامت بین طرفین تماس موجود باشد. در مواردی هم که از تلفن واسط استفاده میشود، علاوه بر علامت سلامتی و شناسایی هر رفیق با فرد واسط ضروریست که علامت سلامتی و شناسایی جداگانه ای - بدون اطلاع فرد واسط - بین طرفین ارتباط وجود داشته باشد.

علاوه بر اجرای ضوابط ذکر شده می بایستی صدا، لحن و نحوه برخورد طسرف مکالمه را نیز به خاطر سپرد و در هر تماس روی آنها دقت نمود. همواره باید توجه داشت که این امکان وجود دارد که پلیس با کشف علائم تلفنی به جای یکی از طرفین قرار گرفته و پس از اینکه او را دستگیر کرده و مجبور به اعتراف برای قرارگاه تلفنی بکند.

۲- علائم قرار دادی در مکالمات تلفنی: طرفین مکالمه باید کلمات و اصطلاحات رایج در گفتگوهای سازمانی (مانند: قرار، جلسه، نشیبه و...) را که در ارتباط فیما بین خود به آنها احتیاج می یابند، از پیش مشخص کرده و بجای آنها کلمات و اصطلاحات عادی کلمه در مکالمات معمولی مردم بکار می روند و بکار نمی یابند. این کار باید با حوصله و دقت کافی صورت گیرد و از برخی کلمات جایگزین رایج کب مفهوم آن برای پلیس شناخته شده است اجتناب شود و در انتخاب کلمات موقعیت ما حب تلفن نیز در نظر گرفته شود. در عین حال ضروریست برخی کلمات قراردادی که مرتبا تکرار میشوند را بطور مرتب تغییر داد.

انتخاب کلمات یا بدبا در عمل دشوار است و نباید نخواهد داشت، اما می بایست بدترین دستها و حوصله را در تهیه عبارات و جملات مناسب از این کلمات برای تنظیم مکالمه و پیام بکار بست. امری که البته با مدتی ممارست به راحتی قابل اجرا خواهد بود. بدین منظور با بستنی قبل از هر مکالمه روی مضمون و متن گفتگو بطور دقیق فکر شده و بعد از تنظیم و خلاصه کردن مطلبی که باید گفته شود. علائم قراردادی را جایگزین کلمات و اصطلاحات سازمانی - سبسی آن کرد. بدون چنین تدابیری امکان استفاده درست از کلمات جایگزین میسر نخواهد بود.

۳- علائم قرار دادی برای ارقام و مشخصات:

در تشاها تلفنی نیابستی هیچگونه ارقام و مشخصات واقعی و به بیان دیگر اطلاعات زنده و مشخص در و بدبا شود. بدین منظور با بدبا ز طریق قراردادهای لازم برای تبدیل و ایجاد تغییراتی در شماره های تلفن، تاریخ، روز و ساعات قرارها و دیگر مشخصات عددی که در تماس تلفنی در و بدبا خواهند شد معین شده باشد. ارقام مزبور باید با تغییراتی همراه باشد که تنها طرف مقابل ویا گیرنده پیام قادر به تشخیص ارقام واقعی است.

بایانه مشترک سازمان جوانان ۴ کشور

هیأتی نمایندگی اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی، جوانان مترقی ترکیه، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، سازمان دانشجویان پیشگام ایران و فدائیسبون دمکراتیک دانشجویان پاکستان طی ملاقاتی در جریبا اجلس دانشجویان جهان در پراگ، سببهای منتشر نمونده که ما قسمتی از آنرا درج میکنیم: ما از ضرورت تشدید مبارزه در راه جلوگیری از مسابقه تسلحاتی و کثاننده شدن آن به فضای کیهانی دفاع نموده و معتقدیم که با بدبا مبارزه

تلفن واسط تلفنی است که متعلق به امکانات فامیلی، هواداران و یا اعصابی که دارای رابطه غیر مستقیم و یک طرفه با سازمان می باشند. وظیفه فرد واسط گرفتن پیامهای تلفنی و انتقال آنها به طرف تعیین شده است. واسط با بدبا در مطمئن منضبط و دقیق بوده و آموزشهای لازم به وی داده شود. نکاتی که در استفاده از تلفن واسط باید رعایت شود، عبارتند از:

۱- پیامهای گذاشته شده با بدبا کلماتی قراردادی، به شکلی عادی و بطور دقیق تنظیم شود. در عین حال با بدبا و اعلامت سلامت (با علامت معینی که در صورت خطر حتما با بدبا ممنوع شود) باشد. صاحب تلفن واسط نیز نباید از مسائلی قراردادهای و علائم فیما بین طرفین اصلی رابطه مطلع باشد.

۲- تماس با تلفن واسط با بدبا ز طریق تلفنهای عمومی برقرار نشود از هر تلفن واسط جدا کثرا بیش از ۳ رفیق نیا بدبا استفاده کنند.

۳- با خود واسط هم با بدبا علامت سلامتی (با خطر) تعیین کرد. تا قبل از دادن و گرفتن پیامها از سلامتی وی اطمینان حاصل کرد. بطولوه هر چند وقت یک بار با بدبا وضع امنیتی فرد واسط بررسی شود.

۴- به جای استفاده از اسامی سازمانی باید طبق قراردادی از اسامی اقوام آشنا با معمولی فرد واسط استفاده شود.

۵- ثبت و نیز انتقال دقیق و بدون کسالت تمام پیام (بدون بهره زدن نظم جملات) آفا به واسط آموزش داده شود. پیامها پس از انتقال به طرف مقابل با بدبا زین برده شوند.

۶- توجه دادن دقیق واسط به صدای افرادی که واسط تلفنی آنهاست، برای جلوگیری از سوء استفاده دشمن.

۷- مواردی که واسط شخصا از دستگیری یک طرف آگاه شده باشد، باید به دیگری اطلاع دهد.

۸- رفقای مسئول در صورت لزوم می توانند بجای خود فرد دیگری را برای تلفن زدن به فرد واسط معرفی کنند (تلفنی). در این صورت فرد مزبور نیز با بدبا مسا میل فوق الذکر را رعایت نماید.

۹- رفقا با بدبا همواره تلفن واسط دیگری بعنوان ذخیره داشته باشند تا در صورت ضرورت بلافاصله تساهای تلفنی خود را به آن منتقل نمایند.

ب- موارد و چگونگی استفاده از تلفن در روابط داخل و خارج

تساهای تلفنی داخل و خارج می توانند برای دادن و گرفتن علامت سلامتی و خطر، انتقال برخی اخبار حساس و پیامهای مهم و عاجل سازمانی در مورد استفاده قرار گیرند. مهم ترین نکاتی که در مورد چگونگی انجام این تشاها با بدبا رعایت شود عبارتند از:

۱- با توجه به آنچه گفته شد تمام تلفنهای داخل و خارج مورد کنترل و استراق سمع قرار دارند، مساله اصلی در مورد همه این تشاها تلفنی، رعایت عادی بودن مکالمه و متناسب بودن آن برای گفتگو داخل و خارج است. بدین منظور اول طرفین با بدبا علائم قراردادی متنوعی فیما بین خود داشته باشند، تا نیا برای احتراز از هر گونه بی دقتی، قبلا با بدبا پیوسته پیام مورد نظر کثرا کرده و متن نوشته شده آنرا جهت گفتگوسوی تلفنی آماده نمایند.

۲- رفقای داخل و خارج نیا بدبا هیچگونه تساهای شماره های مرکز ارتباطات خارج داشته باشند. این شماره ها عملا در اختیار افراد کنترل کننده مرکز تلفن قرار داشته و تساهای آنها بلافاصله مشخص می شود. در موارد اضطراری و مهم که تساهای شماره های مزبور تکرار نگردد، این تساهای حتی امکان با بدبا از طریق تلفن امکانات جنبی انجام شود. مکالمه با بدبا کوتاه باشد و بویژه رفقای که دشمن در دستگیر کرده اند و دستگیری آنهاست با بدبا بلافاصله (در عرض چند دقیقه) محل تلفن را ترک نمایند. تلفن امکان مزبور نیز با بدبا در فرجه فرض شود.

برای تماس با خارج می توان از تلفن برخی آشنایان در خارج و یا تلفنهای مطمئنی که به بدین منظور داده می شود برای گذاشتن پیام و ارتباط با سازمان بهره گرفت. در این موارد نیز نیا بدبا از تلفن امکانات اصلی استفاده نمود. استفاده از تلفنهای مرکز مخابرات فقط برای شماره های کلا مطمئن خارج مجاز خواهد بود. اما با بدبا در نظر داشت که تلفن مورد نظر ما امکان دارد در ارتباطات دیگر مورد حساسیت پلیس بوده با بدبا در هر حال به سبب استراق سمع حتمی تساهای تلفنی، در عادی و متناسب بودن مکالمه با بدبا حد اکثر دقت را مبذول داشت و تا حد ممکن مسدود مکالمه را کاهش داد.

۳- برای ارتباط از خارج به داخل نیا بدبا با تلفن امکانات اصلی مسئولین و فعالین



رعایت کردیم، موجب شد که سرخ های ارتش با طبع بزودی قطع شود و پلیس نتواند ندانند آنها دست یابد. آنچه که به دستمان آمد، فقط چند دستگیر شده بود و پلیس در آغاز خیلی تلاش داشت که با ایجا...

پس از مدتی فکر کردن توانستیم به یادش بیاوریم. اطلاعاتی که می داد، خیلی گهنگ بود. از زندان زمان شاه و اوایل انقلاب، موجودی درم هشتاد و سه بود که احتمالاً در گذشت زنی مرادیده و شناسایی کرده بود. از مدتها پیش احساس می کردم که تعقیب می شوم. حالای شددن زنده ها همین آدم پیدا می کرده اند و به تعقیب و مراقبت...

گزارشی از زندان

در آزمون آتش

برداخته اند. از دوره ای که احساس کردم در تور قرار گرفته ام، بسیاری از رابطه هایم تغییر کرده بود. اما هنوز مشخص نبود که آنها چقدر اطلاعات بدست آورده اند.

در حالت آویزان شروع به زدن کردند. تمام تنم و بیضی از همه پاهایم از ضربات شلاق می سوخت. کتفها داشتند از جا کنده می شدند، حرف های با زجورانی شنیدم. عرق به تمام تنم نشسته بود. احساس می کردم که از بدنم بخار بلند می شود. دلم می خواست برای یک لحظه هم که شده پاهایم به زمین برسد. تلاش کردم که اندیشه را از چاه دیواری اتاق شعربری بیرون بکشم. به کارگرانی فکرمی کردم که می باید پیش در اعتراض به ارجاشان اعلامیه داده بودیم. منظره ای یکی از آنها که به دیدنش رفته بودم و درما ندگی زن و بچه ها...

پس از ورود به سلول، فشار شکنجه برای مدتی کمتر شد. "راشاد" را آغاز کردند. در اینجا با زجو عمدتاً با بلوغ کردن و در هم ریختن ذهن، تلاش می کردند. اطلاعات عمومی از فعالیت و کتفها و تشکیلات بدست آورد و بیهوده طرف مقابل چند مرتبه حلاج است. من عموماً خیلی کم حرف می زدم، بنده سئوالات مختصر پاسخ می دادم، و از به کار بردن اصطلاحات حساسیت برانگیزا جتناب می کردم.

مدت یک ماه، بی هیچ مراجعه ای در سلول رها شده بودم. زخمها و بدنم آرام آرام در حال بهبودی بود. در یک نیمه شب ناگهان با سر و صدای فراوان به درون سلول ریختند و بیدارم کردند. به محض ورود به اتاق با زجویی با ضربی که به سرم وارد آمد، سکنجری خوردم. خودم را جمع و جور کردم، داد و فریاد دعیانی با زجوبه آسمان می رفتم. می گفت که حرف هایم را زنده مواعترت فات جدیدی در مورد شده است. دستها را به تشکیلات قبلی از پشت کردن و کمر به هم بستند. روی تخت درازم کردند و شلاق آغاز شد. کابل، روی پاها را با نوبتی شده و زخم های که تازه در حال التیام بود، به سرعت اثر گذاشت. قطرات گرم خونی که از نوک انگشتانم به زمین می چکیدند، احساس می کردم. در میان آنها هوای ششجنگران، نعره های گرفته ام که ملا شخصی بود.

با اواخر پس از ماه ها، صدایم کردند تا برای انتقال به زندان قزلحصار خود را آماده کنم جدا شدن از بچه هایی که در این مدت با هم نزدیک شده بودیم. برایم خیلی سخت بود. در یک صبح که صبحگاه بودم، در گوشه سلول بر تالم کردم. درد زخمهای تازه و دردمناک که به نخستین مشت و لگد عفونی شده بود، عا می ام می کرد. به آخرین قدرت به در سلول گوییدم. در گوشه تاریک سلول، تفهیدم که کی به خواب برتسم.

می خواستند که به خانوادها ام اطلاع دهم که چند روزی به مسافرت می روم و حساب آنها را سرقرار مستولم بپریم.

حد اقل ۴ ماشین و موتورسیکلت ما را همراهی می کرد که در تمام طول مسیر با بی سیم مرتباً در تماس بودند. علامت سلامتی خود را به ترتیبی که گفته بودم، یکی ز "برادرها" روی کیبوسک تلخ نزدیک به محل قرار زده بود. صحبتی که ما آماده بود، تار فنی که سرفرا راضی می شورا دستگیر کنند و مسلسل ها و وسایل شستشو معده آماده بودند. پیش از آن نقره ما مسوران سا و ک خمینی و تعدادی وسایل نقلیه جنایتکاران در منطقه گشت می زدند. عقر به ساعت با گندی به ۶ بعد از ظهر نزدیک می شد. با دقت به محل قرار چشم را دوخته بودم. ششجنگران نیز با همان دقت مرا زیر نظر داشتند تا هر تغییر احتمالی را به سرعت دریا بند. آمده ها، خسته از کار به سرعت به خانه هایشان بازمی گشتند. هیچیک از آنها حتی حدس هم نمی زدند این ماشین ها بی که خیلی عادی کنار خیابان ایستاده اند، چه چا نوران آدم خوری نشده اند. نمی دانستند که چه چنانا های در همه یگی شان - در زندانهای شهر - رخ می دهد. خوش آن روزی که با زهم بسا یکدیگر، سلاح به دست بر خیزیم و این گزرها سوراخ موش قیمت کنند.

وقتی کنار آمدند و گفتند: "سرمودا نکنن وسوا رما شین شو" به سرعت دستم که در استان از جعفر، راست با خودم گفتم: "قلانی رفتی کسه سا لها بیما نی، ما یاد ترو دکه شرافت را پیش از هر چیز دیگری باید حفظ کنی. امتحان دیگسری در پیش است. قیافه "برادرها" اطلاعاتی نبود. صورتها ی از تهر ا شده با لباسهای شک و ماشین خارجی مدل بالا.

بی آنکه مهلت ادامه مستم دهند، ناگهان صدای را از زیرم کشیدند. لاق اقل ۳ نفر مستول منت و لگدن شدند. هر گاه که از رازا کسه چشم بندگنا رفته بود - فقط توانستم صورت یکی از آنها را ببینم. به زودی بیهوش شدم. وقتی بهوش آمدم، سروصورت خیس و نرم کرده، و لباسها ی خونی آلوده نام شربود. صدای جوانی با لهجه اصفهانی با لحنی خیلی خشن گفت: "این تازه چشمه اول بود. حرف می زنی با ادامه بدهیم؟" شما حتی نگذاشتید که من حرفم را تمام کنم - با هیچ تشکیلاتی کار نمی کردم که اطلاعات داشته باشم. دستم را گرفتند و تا ق دیگسری کشیدند، جورا بهایم را گندند، با شکم روی تخت خوابانیدند، دستهایم را زیر تخت بستند و بسا کابل شروع کردند. هروقت خواستی حرف بزنی، با انگشت بزرگ با بیت علامت بده!

وقتی از تخت با بین آمد، پاها هر کدما مبهه اسدازه یک متکارم کرده بود. هنگام راه رفتن مثل آنکه روی انبوهی از براده آهن با سوزن راه بروی، پاها می سوخت. پشت درانق شکنجه به انتظارم نشانند. صدای فریاد دختری که شلاق می خورد به گوش می رسید. پس از مدتی او را هم آش و لاش بیرون اتاق آوردند و کتارون نشانند. دخترک گریه می کرد و زیر لب با خودش حرف می زد. چشم بندم را کمی بالاتر زدم و از پیران نگاه کردم. خیلی کم می رسد. دلم به درد آمد. دلم می خواست بدای های خونینش بوسه بزنم. آهسته و زیر لب گفتم: "سلام، گریه نکن، به زودی تمام می شه." خوشحال بودم که نظم و وضق این حیوانات را زیر پای می گذارم. نوعی احساس مسئولیت نسبت به این دختر در وجودم بیدار شده بود. برای یک لحظه به فکرش نوا دهم افتادم. بونی به سرعت به فتنای شکنجه گاه برگشتم. با بد تمام حواس را در همین جا متمرکز می کردم. با بدای حواس متمرکز، میزان اطلاعات پلیس را در می یافتم. برای آنکه حرکتی کنم، گفتم، "آقای نگهبان آ ب". پاسداری که بعدا فهیدم تا مش حمید بزرگه است، با پوتین به سرومورتم زد. بسا عیب نیست می گفت: "کار فرگرنی دانی که اینجا سد کسی آب نمی دهند. مثل اینکه هنوز تفهیدای کدارت به گجا افتاده است؟"

خودم را جمع و جور کردم. حتی با این تن در هم کوفته برای من بیدار وضع حقارت آمیزی می شستم. نیمه های شب بود. معده ام سخت می سوخت ولی اطلاعات میلی به غذا ندا شتم. دستهای قوی از پس کلام گرفت بلندم کرد و به درون اتاق برد. این با تمحیت می کردند: "اگر حرف بزنی به نفع خودت تمام می شود. ما همه چیز را می دانیم." با تشکیلات کار نمی کرده ام، منساجسرا باور نمی کنید. الان مدت ها ست که دنبال یک لقمه نون برای زن و بچه هایم هستم. گفتگوی من خیلی آدامه نداشت. و آویزانم کردند. فاطمه پاها می تا زمین حدود نیم متر بود. زمانی که از حالت پا ندول خارج می شدم به حرکت در می آوردند. پس از یک ساعت با زجو آمد.

با تا صبح حرف می زنی، و یا مدارک را روی می کشیم و عا می شوی. تهدیدش مسخره بود. آنها هنوز به کسی کسه برپا زجویی بود، احتیاج ندا شتند. بعد از مدتی صدایی را که در مورد اعتراف می کرد شنیدم. کوینده پشت سرم ایستاده بود و من تنها

پس از ماه به سلول منتقل شدم و زندگانی کردن در راهروها با ورودی بندها با چمن بسته، با های متلاشی و بی تحرک، چن بلای به سرم آورده بود که انتقال به سلول محل صاحب ممکن شدن یک بی خانمان، لذت بخش بود. با زجویی تا کنون با موفقیت پیش رفته بود. مرحله به مرحله و با تحمل فقا در درین مسدت توانستم مجموعه اطلاعاتی که در مورد ما داشتند را بفهمم. اصل مهم در تمام این لحظات هیچ چیز تازه به دستم ندادن بود. تمهیدات امنیتی که قبل از دستگیری به کار بسته بودیم و بویسزه نکاشی که پس از احساس تحت مراقبت بودن

جیره خواران... بقیه از صفحه اول

واشنگتن پست "نخست کجکهای سیا به رژیم خمینی جهت سرکوب کمونیست های رالیستی گردوسپس با اشاره به کمک های مدهما میلیونی آمریکا به با اشاره به کمک های مدهما و شاه سرته گشوی از فضا دهای درونی ایالات با ندها و بی کفایتی آنها را بر شمرده و سوانجسام خطوط کلی سیاست آمریکا درباره رژیم خمینی و مخالفان سلطنت طلب را روشن نموده. واشنگتن پست با اشاره به کمک های سیا به سلطنت طلبان نوشت:

"این کمک ها پرداخت ۶ میلیون دلار به گروه علی امینی، شامل سرمایه یک ایستگاه رادیویی برای آنان، شامل فرستنده کوچک برای بخش مخفیانه یک پیام ۱۱ دقیقه ای توسط رضا پهلوی پسر محمد رضا شاه - شاه سابق - سیا به جهت نجات ایران به رهبری نخست وزیر سابق شاه علی امینی علاوه بر ۶ میلیون دلار تا همین سرمایه ایستگاه رادیویی ۱۰۰۰ ازال ۱۹۸۲

ماها نه مدهزا دلار پرداخت کرده است... بعنصوان بخشی از حمایت از جبهه نجات، سیا تجهیزات و حدود ۲۵ هزار رتا ۳۰ هزار دلار در ماه در اختیار جبهه نزاری می دهد... ولی بعد معلوم شد که این پول سیا برای سرمایه گذاری در بازارهای پول شوین استفاده می شود. در نتیجه آن عضو جبهه که رابط سیا بود، در سال ۱۹۸۵ اخراج شد و جانشین او نیز... در اوایل اسامی برکنار شد و سیا یکی از مقامات کابینه شاه را به مقام نظارت بر مستوری جبهه منصوب کرد... (علاوه بر اینها) گروهی از خدمت منسی نیز چندین میلیون دلار پول از سیا دریافت کرده است... مقامات دولتی تاکید کرده اند که فعالیت های سیا به منظور سرنگون کردن رژیم خمینی نبوده، بلکه اساسا هدفی بدست آوردن اطلاعات در مورد رژیم است از طریق تبعیدیان است..."

واشنگتن پست به نقل از استانیفیلد ترنر رئیس سیا در دولت کارتر تصریح کرده که:

"بازی کردن در هر دو طرف زمین (یعنی هم کمک به خمینی و هم مخالفان سلطنت طلب) غیر طبیعی نیست، به شرطی که آنها (مسئولین آمریکا) هیچکدام از گروه های تبعیدی (وابسته به آمریکا) را به نفع آنها تا مین نگندند که آنها سعی کنند دولت خمینی را سرنگون کنند..."

بر اساس مستند منتشره در کیهان لندن خنشریبه سلطنت طلب ها (۶۳/۱۰/۱۳) - میزان سرمایه گذاری آمریکا در جبهه نجات ایران و جنبش آزادی سران تا تاریخ یاد شده بیش از یک میلیارد دلار رسیده است.

موضوع کلیدی و فساد در دوران بندهای سلطنت - طلب نیز موضوع جدیدی نیست. سرمداران ایسن باندها که زرم به داران بزرگ دوره شاه بودند اکنون نیز در کشورهای غربی سرمایه گذاری های کلان کرده اند، برخلاف آنهایی که در پیوسته و ایرانی دوستی شان، معشوقی جز دلایه های آمریکایی نداشتند و هیچ فرستی را برای آندوختن از آذکف نمی دهند. اکنون نیز همه آنان در پی کسب قدرت هستند و برای برگردن مجدد کیه ها غارت خود از دسترنج مردم تقلا میکنند.

بدینحال گزارشها و واکنش پست و انتشار هر چه بیشتر استادی درباره رواج حمایت آمریکا از خمینی، نگرانی پیشین باندهای سلطنت طلب

از تغییر سیاست در بیان نمید به جمهوری اسلامی بچندان شد و آن زمانه تا آن برآمد، برخی رهبران باندها، همچون بختیار، امینی و نسیم پهلوی درصاحبها گفتارهای رادیویی و بیباک های گوناگون، درکنار تا بهید در یافت پول از سیا را به شکوه از "ولسی نعمت" خود، آمریکا گشودند و برای بازیافتن حمایت کامل آمریکا ناله کردند. با حمایت آشکار دولت ریگان از رژیم خمینی یا در مصروف آنان گسترش یافته است.

چیزی که شاه پرست ها را راحت کرده است اصلاحات نیست که ریگان چرا به آنها سلاح می دهد، چون این جریانات از میلفان ایسن جنگ کثیف هستند، آنها با وقاحت کامل ایسن جنگ و کثیف عنوان ایسکه ای جنگ ایران و عراق است نه صدام و خمینی توجیه می کنند.

بعنصوان مثال می توان به ما حه نسیم پهلوی منتشره در کیهان لندن (۲۳ آبان ۶۴) اشاره نمود. نسیم پهلوی به صراحت گفت: "هیچ ایرانی اصیل وطن پرست نمی خواهد ایران از زمین بیگانه شکت بخورد، اگر چه عیب آن بی کفایتی رژیم هم باشد و درودش به چشم همه ایرانیان خواهد رفت..."

خنشریبه ایران و جهان متعلق به باند امینی، همدان با خمینی بری رانند چون آن به جبهه ها نوشته است بانها می جنگند تا مرزهای میهن گرامی ما محفوظ بماند. آنها برای حفظ حراست و سرزمین مقدس ایران و برای دفاع از ارزش های والای ناسیونالیسم ایران جنگ می کنند...

و حتی برخی از آنان، همچون منوچهر قربانی فرد (یکی از عوامل کودتا نوزده) در همین ماجرای اخیر صدورا علیه آمریکا بیباک ایران، درکنار ملک فارسی و... نقش فعالی ایفا کرده اند. آنچه آنان را انگران کرده است تغییر سیاست دولت ریگان به سوی حمایت آشکار از خودها است. آنها نگران ایسن هستند که آن حمایت به کاش حمایت ریگان از آنان بیا نماند.

سازمانهای سلطنت طلب (چه نسیم پهلوی، امینی و ژنرال طای فراری وجه جمهوری خواهان شاهپرست) و ایستگان و جیره خواران امپریالیسم جهان نسیم پهلوی، امینی و امینی هستند و سر نوشت آنها طبیعتا نه در دست خودشان، بلکه در دست کاشی است که میلیاردها دلار در آنها "سرمایه گذاری کرده اند و می کنند. سر نوشت آنان را سیاست دور و نزدیک جهان امپریالیستی نسبت به ایران رقم می زند. نقش فعلی آنان ترساندن آخوندها و در عین حال آماده بودن برای حوادث غیر قابل پیش بینی است. سیا برای هماهنگی کردن دوباره تدبیر ک سلطنت طلب یعنی "جبهه نجات ایران" و نهضت مقاومت ملی "حول نسیم پهلوی و امینی و وسیعاً "در تقابل است. بنا به گزارش نشریات سلطنت طلب، بسیاری هماهنگ کردن این دو اار و دست، رهبران آن، علی امینی و بختیار به مقام مشاوران نسیم پهلوی منصوب شده اند و به نوشته کیهان لندن (۱۵ آبان) پس از چند ماه مذاکره سه جانبه نسیم پهلوی - امینی و بختیار برای نزدیک تر ساختن این دو سازمان ضد انقلابی، رقیب، در اکثر مسائل درواشنگتن دو میسن کنگره " شورای عالی مشروطیت " برگزار شده است. بر اساس تمامی استنادات و گزارشات، تمام این تلاشها جز محصول گوش های "سیا" بر سرای شیر و میند ترساندن این باندهای ضد انقلابی چیز دیگری نیستند. حمایت از خمینی از یک سو و پشتیبانی

از مخالفان سلطنت طلب و وابسته از سوی دیگر دوروی یک سکه و آن چیزی است که "ترنر رئیس سیا در دولت کارتر بازی کردن در هر دو طرف زمین بازی می نماید.

"سیا" از این "بازی در هر دو طرف زمین" چه اهدافی را تعقیب می کند؟

سازمانهای ضد انقلابی وابسته به آمریکا امروز وظیفه وسیعی را در نظر گرفته اند. در درون این طبقه از نسیم پهلوی مدعی مقام سلطنت گرفته تا امینی مدافع سلطنت استبداد، بختیار مدعی پای بندی به قانون اساسی مشروطه و سوسیال دموکراتیسم، جمهوری خواهان مخالف سلطنت (که با برخی از آنان در درون نهضت مقاومت ملی بختیار سازمان یافته اند)، ژنرالهای چون آریانا و آویسی که از هم اکنون خود را به شکل پیشوا رسته اند و حتی علامتشان نیز از نام نازی ها اخذ شده، مدعی های اسلام پناه که به گفته خودشان هرگز و در هیچ خود را با رژیم خمینی قطع نکرده اند... همه به نامی شوان یافت. این باندها علیرغم اختلافات واقعی با ساختگی با یکدیگر در یک نقطه با هم مشترکند. تمامی آنان با ما که های گوناگون در دامان سیا پروراند می شوند و برای هدف واحدی تربیت می یابند.

امپریالیسم آمریکا علاوه بر استفاده از اطلاعاتی - جاسوسی از اینان در واقع اهداف عمده دیگری را در تقویت این باندها و ضد انقلابی وابسته تعقیب می کند. اهدافی که به یکجا و بیجا به یک سیستم در دستر استراتژی های واشنگتن قرار دارد. از جمله برای اهداف زیر:

- جلب هر چه بیشتر وسیع تر رژیم جمهوری اسلامی به همدستی با آمریکا از طریق "ادامه فشار رویشان دادن این موضوع که مخالفان تبعیدی و ناراضی فعال هستند." (واشنگتن پست ۱۹ نوامبر) - پروردن آلترنا تویهای وابسته مختلف برای آینده غیر قابل پیش بینی و برجسته کردن مساب ترین آنان، به هنگام لزوم، چه هنگام خرابی ست توده های مردم علیه رژیم خمینی و چه در شرایط دیگر.

- جلوگیری از گرایش مردم معترض به سوی انقلابیون کمونیست، از طریق جذب آنان به طرف باندهای سلطنت طلب و وابسته، بوسیله تبلیغات ضد خمینی این باندها.

وظیفه انقلابیون کمونیست آن است که با توجه به نفرت روز افزون مردم از رژیم تبعیضات جمهوری اسلامی، با در نظر گرفتن اینکه این رژیم با اجنابیات بی شمارش از جمله با فروختن آتش جنگ و... مسبب فلاکت هر چه بیشتر مردم و کاستن شدن از صلا سیست آنان نسبت به رژیم شاه گشته و در نتیجه از صلا سیست مساعدی برای فریبکاری بقایای شاه فراهم آورده است، با تمام توان علیه توطئه های این باندها و با بسته مبارزه کنند، ما هیت واقعی آنان، همدا می آنان با خمینی در دادا جنگ، در سرکوب کارگران و زمینگشان، در قارت توده های مردم و غیره. ربا استناد به اسناد و وقایع های مشخص افشا ساز.

مبارزه به یکدیگر با این باندهای ضد انقلابی جدا از هم مبارزه با رژیم خمینی نیست، بلکه مبارزه علیه رژیم را تقویت می کند. ما باید با تمام توان علیه آنها رزمید و این وظیفه ای درنگ ناپذیر است.

بقیه اش هم نشا الله در دنیا دیگر. گفت: "بقیه و دو آنجا خوب فکرها یثان را بکنید" و الحسب که "قیامت" جای عجیبی برای فکر کردن بود. تعدادی تخته را در یک سال کنار هم و عمودی روی زمین قرار داده بودند، طول آن به اندازه قدیک انسان و عرض به فاصله ۲۰ سانتیمتر از طرفین ما قرار داشت. زیرمان یک تکه نم بود و روی رویمان دیوار، پشت سرمان خالی بود تا نتوانیم به جایی تکیه دهیم. برنا هم روزانه "قیامت" این چنین بود: از ۵ صبح تا ۱۲ رادیو قرآن و برنا هم رادیو با درس های اخلاق و معانی قرآن. پس از نیم ساعت نماز با زخم سخنرانی و نحوه خواندن و معانی به پیش می شد. صدای بلندگو تا پایان شب یک لحظه هم قطع نمی شد و شبها ما عملاً با این از چند ساعت نمی توانستیم بخوابیم. تمام مدت حتی در وقت غذا خوردن و دستشویی رفتن هم چشم بند به چشم داشتیم. یک عمسسل روانگردانی دقیق و منظم صورت می گرفت. پس از چند روز، یکی از کسانی که نمی توانست تحمل کند، گفت که حاضر است همه چیز را در مورد شما بپل زندان بنویسد. وقتی کا غذا را به زوجه ما داد، گفتند که همه چیز را نوشته ای، چند روزی با این بازی ادا می یافت تا جایی که به او گفتند شرط خارج شدن از قیامت، هم توبه است و هم ادامه گزرا نویسی در زندان.

آدم شده ای یا نه؟ گفتیم: مگر قبلا آدم نبوده ام. گفت پس بر ساحت حالت جا بیا بد. از کمر دردتکا پست کردم. پاسخ داد توفکورت ناراحت است و اگر آن درست بشود، کمرت هم خوب خواهد شد. چو خاکم برقیامت و تبلیغات و مسلسل وار ش برای آن بوده که یا بهای اعتقادی زندانی را درهم شکنند و شرایطی را فراهم آورده که اونسبت به خود شک کند. ما از صبح تا شب کاری جز فکر کردن ندا شتیم. و مطلقاً کسی که از بلندگو پخش می شد عملاً به فکر ما جهت می داد. ماه دوم احساس کردم که احتیاج به یک تحول دارم. تقاضای ملاقات با حاج آقا رحمانی را کردم. گفت: ما همیشه با شما حاضر به بحثیم. ولی شما می ترسید که بحث کنید. جواب دادم که در مقابل همه زندانیانها حاضر با او بحث کنم. چیزی که آنروز به نگلی از اشکال، به هر کسی که باشد، حتی حاج رحمانی بود. بحث ما با لا گرفت. حتی عصبانی شد و گفت ما ۲۰ سال دیگر در قیامت تکمیل می یابیم. ما با آن کار فهمیدیم که وضع خود را خرابتر کردیم اما آرزویش زیاده ای پیدا کردم. زیرا یکبار دیگر ثابت کردم که همه حرفهای بی که از بلندگوها پخش می شود، دروغ است. و میلفان این اندیشه جزا نورانی قدر نیستند.

کرد و سپس تهنه های غیر عادی سرداد. چه ره همه مان سفید شده بود و ویوی سر و صورتمان شنیدیم رنگ یافته بود. پس از ۲ روز به داخل زندان باز گشتیم. "قیامت" در شما مزندان مثل توب صدا کرد. زندانیان، به کاشی که قیامت را با موفقیت گذرانده بودند، با احترام می نگریستند. پس از انتقال به زندان بود که فهمیدم حاج رحمانی عوض شد و تحولات جدیدی در زندان رخ داده است.

پس از مدت طولانی بلا تکلیفی، با لایحه به پیدا دگا شروع رفتن، آخوندها محقق که حتی پرونده ام را به درستی خوانده بود، مرا حاکم و حکم را صادر کرد. به زندان برگشتم که دوران محکومیت را با گذرانم: در طول راه به دورانی سخت سرگذاشته بودم، و دورانی که در پیش است می اندیشیدم. دوره حکومت این جانشینان قرون وسطی با لایحه به ما پان می رسد. زمانه، زمانه آنها نیست. برای ما بودی این باختگی که به جان مردم ما افتاده است، با سختی جانمدهای فارغ از ظلم و استعمار. هر یک از ما وظیفه ما به دوش داریم.

وظیفه ما به دوش در زندان و مبارزه و سر بلند کردن سازمان در این سنگراست. ما پیروز می شویم.

نگاهی به رویدادهای سال ۸۶

سال ۸۶ " سال صلح " بود. ۱۵۹ کشور عضو سازمان ملل متحد در سال ۸۵ در مراسم که به مناسبت چهلین سالگرد تأسیس این سازمان برگزار شده بود، سال ۱۹۴۶ را به عنوان " سال صلح " اعلام کردند. این روایات میلیون ها انسان این سوخته در سال صلح " بر سابقه تسلیحاتی نقطه پایان گذاشته بود. به برنام " جنگ ستارگان " خاتمه داده شود خطر جنگ هسته ای از سایر راه ها رفع گردید. اما در دوره ای که در خدمت صلح و سازندگی قرار گرفتند، اتحاد شوروی پیشینا دشمنی خود را در برابر آمریکا و اتحاد شوروی هستانی تا آغاز هزاره سوم گام به گام می برد. پیگیری تحقیقاتی یافته بود و به پایان برسد و برای این منظور در مرحله نخست در سال ۸۵ تا سال ۸۶ در شورای آمریکا سلاح های هسته ای را که بردشان تا قلمرو یکدیگر است به نصف کاهش دهند و کلاهک های باقی مانده نیز از هر هزار عددتجا و نگینند. در مرحله بعدی دولت های دارای سلاح های هسته ای بتدریج به این برنامه پیوسته و بعنوان اولین گام متعهد شوند که تمام سلاح های هسته ای خود را نابود کنند و از استقرا آنها در دیگر کشورها خودداری کنند و در مرحله سوم انواع دیگر سلاح های هسته ای نابود گردد. علاوه اتحاد شوروی با ردیگر موافقت می نماید خودداری از ساختن سلاح های هسته ای را به مدت سه ماه دیگر تمدید نمود.

ایستگاری جدید اتحاد شوروی مورد استقبال تمام نیروهای صلح طلب قرار گرفت. ولی سازمان دولت های امپریالیستی و در رأس آنها دولت ریگان همچنان سابقه تسلیحاتی و انجام آزمایش سلاح های هسته ای را ادامه دادند.

دیدار ریکیا و یک

در مهر ماه به ایستگاری اتحاد شوروی مذاکراتی در ریکیا و یک بین میخائیل گورباچف و ریگان صورت گرفت.

در این دیدار اتحاد شوروی پیشینا دشمنی خود را در برابر آمریکا و اتحاد شوروی هستانی تا آغاز هزاره سوم گام به گام می برد. پیگیری تحقیقاتی یافته بود و به پایان برسد و برای این منظور در مرحله نخست در سال ۸۵ تا سال ۸۶ در شورای آمریکا سلاح های هسته ای را که بردشان تا قلمرو یکدیگر است به نصف کاهش دهند و کلاهک های باقی مانده نیز از هر هزار عددتجا و نگینند. در مرحله بعدی دولت های دارای سلاح های هسته ای بتدریج به این برنامه پیوسته و بعنوان اولین گام متعهد شوند که تمام سلاح های هسته ای خود را نابود کنند و از استقرا آنها در دیگر کشورها خودداری کنند و در مرحله سوم انواع دیگر سلاح های هسته ای نابود گردد. علاوه اتحاد شوروی با ردیگر موافقت می نماید خودداری از ساختن سلاح های هسته ای را به مدت سه ماه دیگر تمدید نمود.

در این مذاکرات علیرغم توافقاتی قابل ملاحظه ای در ابتدای گفتگوها بدست آمد، ولی ریگان با اصرار بر اجرای برنامه " جنگ ستارگان " مذاکرات ریکیا و یک را به بن بست کشاند. میخائیل گورباچف بعد از تمام مذاکرات اعلام کرد که علت خودداری ریگان از پذیرش پیشنهاد های شوروی نظامی - صنعتی است. وی گفت که مجتمع های جمهوری فدرال برای تصمیم گیری است.

کنگره جهانی صلح

گرچه مذاکرات ریکیا و یک در " سال صلح " به نتایج معین نرسید، ولی ندای صلح طلبی مردم جهان در کنگره جهانی صلح طنین افکند. در این کنگره که در مهر ماه به مناسبت سال بین المللی صلح در کینشیا برگزار گردید، بیش از ۵۰۰۰ جنبش ضد جنگ، نزدیک به ۶۰ سازمان بین المللی و بیش از ۲۴۰۰ نماینده شرکت داشتند. این کنگره یکی از بزرگترین کنگره های جهانی نیروهای صلح طلب بود.

کنفرانس غیر متعهدان

مسأله صلح در هشتمین اجلاس جنبش غیر متعهدان نیز در مرکز توجه قرار داشت. در این اجلاس تقریباً تمام سخنرانان از ایستگاریها و پیشینا ده های اتحاد شوروی پشتیبانی کردند. هشتمین اجلاس جنبش غیر متعهدان نیز در مرکز توجه قرار داشت. در این اجلاس تقریباً تمام سخنرانان از ایستگاریها و پیشینا ده های اتحاد شوروی پشتیبانی کردند. هشتمین اجلاس جنبش غیر متعهدان نیز در مرکز توجه قرار داشت. در این اجلاس تقریباً تمام سخنرانان از ایستگاریها و پیشینا ده های اتحاد شوروی پشتیبانی کردند.

امپریالیسم آمریکا و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی

در این نهمین اجلاس مواضع جنبش نسبت به مبارزه با امپریالیسم، استعمار و استعمار رنجو برتری طلبی، تجاوز و اشغال را فرجه اعلام شد. در این نهمین اجلاس مواضع جنبش نسبت به مبارزه با امپریالیسم، استعمار و استعمار رنجو برتری طلبی، تجاوز و اشغال را فرجه اعلام شد.

کنگره فدراسیون اتحادیه های کارگری

با زدهمین کنگره فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری که بزرگترین کنگره های تاریخ ۴۰ ساله فدراسیون بود، با شرکت ۱۰۱۲ نماینده از طرف ۲۹۶ میلیون عضو اتحادیه های کارگری ۱۵۴ کشور جهان برگزار گردید. صلح جهانی در این کنگره نیز جای برجسته ای داشت. کنگره با شعار " صلح و کار از یکدیگر جدا نیست " و " صلح و پیشرفت اجتماعی " فعالیت خود را شروع کرد و بر گسترش کارزار بین المللی به خاطر صلح و علیه بیگاری تاکید ورزید.

این کنگره اسناد مهمی پیرامون شرایط جدید مبارزه با اتحادیه های کارگری در دفاع از حقوق خود، تأثیر انقلاب علمی و فنی و سابقه تسلیحاتی بر زندگی و کار و همگامی در راه داد. کنگره طی پیام هایی همبستگی خود را با زحمتکشان کشورهای مختلف که علیه امپریالیسم، استعماری و نژادپرستی و صهیونیسم مبارزه می کنند، اعلام کرد.

کنگره احزاب کمونیست

" سال صلح " سال کنگره های احزاب کمونیست و کارگری و سازمان های بین المللی نیز بود. در طی سال گذشته کنگره احزاب کمونیست کشورهای اتحاد شوروی، آلمان دموکراتیک، چکسلواکی، بلغارستان، لهستان، کوبا، ویتنام، مغولستان، هندوستان، آلمان غربی برگزار گردید. در این کنگره ها بر تشدید مبارزه با صلح و محو سلاح های هسته ای و بر گسترش صلح بین المللی تاکید شد. کنگره احزاب کمونیست کشورهای سوسیالیستی مساعیل هر کشور با نگرشی انتقادی مورد بررسی قرار گرفت و اسناد بسیار مهمی پیرامون گسترش پیشرفت اقتصادی - اجتماعی به ثمر رسیده.

در این میان بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی که در ماه فوریه برگزار گردید، دارای اهمیت عظیم بین المللی است. کنگره بر دستاوردهای سترگ اتحاد شوروی با پای فشرده پرچم انتقاد از نژادپرستی و مشکلات را بر فراشت. کنگره بر طردنیده های بی باک امپریالیسم بیگانه است. تاکید بر وجود اتحاد شوروی و اتحاد کمونیست ها در تمام نقاط جهان است. صلح و صلح بین المللی را به عنوان مسأله کلیدی در تمام سوسیالیسم مطرح نمود و بر ارتقاء نقش و خلاقیت تسوده تاکید ورزید.

گسترش مبارزات رها بی بخش

سال گذشته سال نبرد دا دوست بین خلق های تحت ستم و امپریالیسم جهانی و نیروهای ارتجاعی بود. در آمریکا از لاین دریا گسترش مبارزات توده ای، روند دموکراتیزه شدن حیات سیاسی در تمام ایالات آمریکا و پیش رفت، علیرغم تشدید سوطه های دولت ریگان از یک سو و گسترش مبارزات فدا مبارزات کمونیستی و ضد فاشیستی پیشرو و ارتدیک است. نزدیک به ۱۰۰۰ جنبش و همگاری نیروهای مخالف رژیم موقتیت جدیدی برای مبارزات مردم شیلی بود.

در آفریقای جنوبی نیز با وجود تشدید سرکوب رژیم بوئا، مبارزات توده ای گسترش یافت. بر اثر تشدید بحران سیاسی و گسترش مبارزات توده ای در فیلیپین، حکومت مارکسیست سقوط کرد و خانم اکینو بر سر کار آمد. دولت ریگان گوشتی قبل از اینکه جنبش توده ای او - جی - کید و بیضا حکومت دست نشاندۀ آمریکا را برود به کنار رفتن مارکوس و روی کار آمدن اکتیو کمک کند. این تغییرات شرایط مساعدتری را برای فعالیت نیروهای مترقی فراهم آورد.

افشای روابط ایران و آمریکا

در ماه های آخر سال روابط پنهانی ایران و آمریکا و تحویل پول دریا فتنی از فروش سلاح با ایران " با ندهای ضد انقلابی نیکاراکوشت افشا گردید و مبارزات گسترده در سطح بین المللی بافت. این افشاکاری جمال اسپینی در آمریکا پدید آورد و کاخ سفید را با بحران جدی مواجه ساخت. گسترش روز بروز دامنه بحران آنچنان است که محافل آمریکا از اثرات روانی و ترکیت صحت می کند.

تأثیر شدن ...

تأثیر شدن ... او از زبان سپید میهدی ها شمی چهره خاشاک خود را به صورت " فقیه عالیقدر " که فاقد استقلال رای است به نمانش گذاشت. در صحبت تلویزیونی که از سپید میهدی ها شمی پخش شد وی گفت " عوامل نظامی و ذهنی من را به آنجا کشاند که دفتر فقیه عالیقدر را بعنوان یک پایگاه برای تحقق اهداف خود انتخاب کنم. فقیه عالیقدر از اسالیهای اعتماد داشتند. " این کار زشتی بود که مقام معظم رهبر آئینده و دفتر ایشان را آلوده کنیم " در مصاحبه مطبوعاتی ری شهری پس از زخشن این صحبت ها که مشخصاً منتظری را بزرگوار میبرد تا کید شد که دستگیری مهدی ها شمی و پیش مواجبه تلویزیونی وی با دستور مشخصی امام بوده است. ری شهری در این مصاحبه گفت " دوهفته قبل که خدمت امام رسیدیم فیلم کامل صحبت ایشان را شما به حضرت امام دادیم و ایشان بعد از ملاحظه فیلم و این مقدار را که از تلویزیون پخش شد تا بید حضرت امام بود و این مقدار را که پخش نشد مملکت نبوده است "

دیدارهای منتظری و خمینی و رفت و آمد های شتابنده و رفتنهای مهدی ها شمی و اردبیلی میان تهران و قم نشانه دیگری از حدت کشاکش هابدر پشت پرده است. در این جریان سرانجام وقتی که منتظری مجازات با زندان شدگان را طلب کرد سایر دیگر آشکار شد که منتظری شخصیتی نیست که در برابر خمینی - رفسنجانی باید است. وی که در اولین واکشش سخنانی در مهدی ها شمی و ارتباط وی با دفتر خود را نفی کرده بود پس از ملاقات با سپید رفسنجانی و سخنان ری شهری در اطلاعیه بعدی خود اعلام کرد " چرا هم و اشکات سید مهدی ها شمی و افراد وابسته بوی بدون اغراض پیگیری شد و ما با ارتباط سببی ایشان و با دیگران بسا اینجا نباید هر کس دیگر و با رعایت حرمت این و آن مانع تحقیق و رسیدگی شود "

رویدادهای اخیر یکبار دیگر درستی این ارزیابی ما از منتظری را نشان داد که او پیش از هر چیز به خمینی و جمهوری اسلامی وابسته است و نه میثاق دهنده میخواستند در مواضعی قرار گیرد که ضروریات حفظ رژیم ضدملی، ضد مردمی و ولایت فقیه می طلبد. اصل اساسی و رها نما برای منتظری پاسداری از رژیم ولایت فقیه است.

خمینی خاشکینی مطلقاً " حرف نشو " میخواهد و منتظری نیز تاکنون اثبات کرده است که دارای چنین خصوصیاتی است.

بدون تردید آشکار شدن ماهیت ضد مردمی رژیم خمینی بخش بزرگتری از پیروان خمینی را که همچنان نسبت به اهداف آخوندهای خاکمور توهم بصری بر بند به رو یگر دانی از خمینی و شرکا برخوردار است، کنکشت. پاسخ خمینی به استفسار وزیر اطلاعات پیرامون دستگیری سید مهدی ها شمی و نیز " اقا بر تلویزیونی دیکته شده نشانۀ آشکاری از این واقعیت اندک رژیم استبداد و ترور خمینی قطعا تمام مخالفت ها در بدنه جمهوری اسلامی علیه سیاست های ضدملی و ضد مردمی خود را قاطعانه سرکوب خواهد کرد.

رویدادهای اخیر عواقب منتظری را به مثابه کسی که قرار است به محور جمهوری اسلامی تبدیل شود تصدیق کرده است.

علت سرکوب مخالفان نه با ملیها آمریکا علیرغم تلاشهای مذبحخانه رژیم از چشم کسی پنهان نخواهد ماند. همه میدانند این ۲۰۰ نفر فرستاده بخاطر پرونده ای که شاه برای آنها ساخته بود، بلکه بخاطر ابتکارشان در افشای ما مله پنهانی با آمریکا سرکوب شده اند. با اطمینان باید گفت که سرکوب و شکنجه هاشمی، گومالی منتظری و خوش رقصی او برای خمینی، همه همه ضربه ای مهلکی به اعتماد سپاهیان، بسیجیان، طلاب و دیگر عوامل ساده رژیم به خمینی و رفسنجانی وارد میکند. این رویدادها چشم توده های مردم را به روی دغل کاری و دورویی فوق رندانه خمینی و رفسنجانی باز تر و باز تر کرده است.

دروستی که پیش آمده است افشای هر چه وسیع تر مقام رژیم از پنهان کردن کسالت سرکوب گروه هاشمی، افزایش زبونی منتظری در برابر گردانندگان رژیم و افشای هر چه وسیع تر اقتصاد ما مله پنهانی و تعهدات پنهانی رژیم در قبال آمریکا و اسرائیل کاری ترین ضربات را بر رژیم وارد میکند و با بیشترین استقبال از سوی مردم مواجه است. سازماندهی پنهان افشاکاری اکنون در اس و وظایف تبلیغاتی توده ای قرار گرفته است.

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف خود یاری دهید.

هشدار به مبارزان کورد عراق

حکیم رئیس جریا ن دست نشاندۀ «مجلس اعلاّی عراق» جزئیات بیشتری از کنگرفراسی را که قرار است با شرکت بخشی از اپوزیسیون رژیم صدام موبه است با رژیم خمینی در تهران برگزار شود، فاش ساخت. حکیم در یک مصاحبه در چاه راه گفت: این کنگرافراسی در مورد خطوط کلی مبارزه و همچنین در مورد آینده عراق تصمیم خواهد گرفت. مسأله بدیهی این است که کنگرافراسی زیر نظر مستقیم رژیم خمینی برگزار خواهد شد و نمایندگان نسی از کشورهای سوریه و لیبی نیز در آن شرکت خواهند کرد. حکیم اعلام کرده است که در این کنگرافراسی گروهها و سازمانهای مبارز که دارای مواضع سیاسی راستین و نیرومند علیه رژیم عراق هستند شرکت خواهند کرد. نیر در حالی است که حزب کمونیست عراق یعنی نیروی اصلی و سراسری مقاومت در این کشور همچنین بخش مهمی از گروههای مبارز را تشکیل در این توطئه رژیم آخوندخو داده‌ای کرده‌اند.

درواقع نیز رژیم خمینی برای این «کنگرافراسی» تنها توطئه است بخشی از نیروها و یگانهای عراق را به آنجا دعوت کرده است. این توطئه را به نام «کنگرافراسی» نامیده‌اند. در عراق و در برابر برتاکتیک ماسا بیهوده صدام یعنی حمایت از مجاهدین صورت می‌گیرد. رژیم خمینی قصد دارد این آلت‌ترنا تپوست نشاندۀ را در برابر «جبهه جود» یعنی یگان آلت‌ترنا تپوست و اکتسی جنبش انقلابی عراق قرار دهد و مبارزه مردم این کشور علیه صدام را به سود اهداف ارتجاعی خود منحرف سازد. جمهوری اسلامی تا چندین پیش از طریق کمکهای همه‌جا شبه مادی و معنوی به آیت الله حکیم و مجلس اعلاّی او کشید تا این جریسان دست نشاندۀ خود را به مردم عراق تحمیل کند. رژیم می‌خواهد از این طریق «جمهوری اسلامی» مورد نظر خود را در عراق پیاده کند. بنا به امر رژیم مستقیم ارتجاعی ایران، مسأله ایجاد جمهوری اسلامی در عراق در مذاکرات بین حکیم و کردهای عراقی جای ویژه‌ای گرفته است. حکیم تاکید کرده که در ملاقات‌هایش با جلال طرابلسی و درین باره زانی در آبان ماه گذشته مورد «مسائل کلی» او زجمله مسأله هویت اسلامی آینده عراق «به توافق رسیده‌اند. تا کید بر این «هویت اسلامی» همچنین یکی از مسأله اصلی کنگرافراسی خواهد بود.

توطئه‌های رژیم خمینی و مجلس دست نشاندۀ عراق برای تحمیل یک دیکتاتور خونی مذهبی از نوع رژیم ولایت فقیه در عراق، زیر پوشش محکوم است. توطئه‌های زحمتکش عراقی که تجربه تلخ خونین «ولایت فقیه» در کشورها بر آن زور در جلوی چشم دارند، به چنین توطئه‌هایی تن نخواهند داد. سر نوشت امروزین کشور ما، بهتر از هر وعده و وعیدی نشان می‌دهد که خمینی و دست نشاندهانش چه رژیمی را میخواهند به جای رژیم صدام بصر مردم عراق تحمیل کنند. توجیه به همین واقعیت است که نیروهای اصیل مبارز و انقلابی مسراق از شرکت در این توطئه کنگرافراسی با خود را می‌کنند و در برابر آلت‌ترنا تپوستای خمینی می‌ایستند و تلاشها و توطئه‌های رژیم خمینی را محکوم و علیه آن مبارزه می‌کنند.

انتظار همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک منطقۀ و بویژه انقلابیون ایران که با پوست و گوشت خود خلق خونین ولایت فقیه را حس کرده‌اند، این است که رهبران کرد عراقی این توطئه کنگرافراسی را بدرستی درک و راه خود را از این رژیم خونخوار جدا کنند. تجربه تلخ ملامطی با رژیم بحدکافسی هشدار دهنده است. رژیم خمینی رژیم سفاک و فسد بشری است. در رژیم مشابه رژیم خمینی انتظار خود مختاری کردستان عراق خیال خامی بی‌بسی نیست. شاه‌داین مدعا کردستان امروز ایران است. جمهوری اسلامی اگر امروزه بدلیل جنگ با صدام دست دوستی بسوی کردهای عراقی دراز نگردد، در همان حال آماده است تا به تبع متابع ارتجاعی آنها را قربانی سازد و خنجر زهر آگین خود را بر پیکر آنها فرو کند. کردهای مبارز عراقی با ید هر گونه اتحاد سیاسی و نظامی با رژیم خمینی - بویژه علیه اپوزیسیون مترقی ایران - منطبقه - را به کناری بگذارند و اتحاد با نیروهای انقلابی مبارزه مشترک علیه صدام و خمینی را بیکانه راه سعادت مردم دو کشور همسایه است. پیش‌گیرند. در لحظه حساس کنونی، مردم ایران از توطئه‌های رژیم خمینی و نقشه‌های آن برای عراق بعد از صدام هوشیار شوند و در باره سر نوشت مبارزه خونین خلق کرد با احساس مسئولیت کامل عمل کنند.

جنایات تازه علیه زندانیان

اخیرا خبرها در عده دیگری از انقلابیون در میدان نبرد دوزخ زندانیان رژیم جمهوری اسلامی منتشر شد.

شهریه «راه کارگر» در شماره ۲۹ خود اعلام داد که رفیق حمید طه سبی از مبارزین قدیمی و عضو کمیته مرکزی «سازمان کارگران انقلابی ایران» و مسئول کمیته کردستان این سازمان، در حین انجام یک مأموریت سازمانی در اتریش یک ساله در کردستان به شهادت رسید.

بر اساس خبر مندرج در شماره ۲۹ «شهریه» رفیق محمد علی شرف‌الدین، انقلابی با سابقه و زندانی سیاسی دوران مبارزه با رژیم جنایتکار شاه نیز بدست مزدوران رژیم به شهادت رسیده است. رفیق «شرفا» که در ماه ۶۳ دستگیر شد نزدیک به دو سال حیوانی ترین شکنجه‌های ساواک خمینی را در لیرا نه تحمل کرد و سوراخ‌نجام در یکی از آخرین روزهای تیرماه ۶۵، قلب گرمش آماج گلوله‌های رژیم جمهوری اسلامی گشت.

شماره ۱۲۹ «شرفا» نام هم‌راه «نیز اعلام کرده است: «رفیق بهروز افشاری یکی دیگر از فرزندان رنج دیده و بی‌گناهیان توده ایران زیر شکنجه به قتل رسیده است. از ۲۵ مرداد ۶۴ در اصفهان بهروز به جنگ ما موران اطلاعاتی رژیم افتاد تا مدتی پیش از وی هیچ خبری نبود. تا آنکه سرانجام نشان او در گورستان عمومی تهران (بهشت زهرا) پیدا شد و آشکارا گردید که وی پس از مقاومت قهرمانانه در برابر شکنجه‌گران، در ۳۱ شهریور سال پیش - یعنی یک ماه و شش روز پس از دستگیری - جان بر سر آمانهای توده‌ای خود داده است.

سازمان ما، کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی و محافل آزادیخواه ایران و جهان را فرا می‌خواند که این جنایات وحشیانه را محکوم کنند و برای نجات جان بهترین فرزندان خلق ایران از چنگال دژخیمان رژیم خمینی، همه تلاشهای ممکن را به عمل آورند.

نقشه هولناک علیه زندانیان سیاسی

در جریان یک گرد همایی که در ۲۸ خردادماه سال جاری تحت عنوان «کنفرانس پزشکی» در تهران تشکیل شد عوامل مسلح رژیم تصمیم گرفتند که خون زندانیان سیاسی را گرفته و محرومین جنگی بدهند. در این گرد همایی همچنین تصمیم گرفته شد که اعضای بدن زندانیان محکوم به اعدام (چشم، دست، پا و...) را قبل از اجرای حکم از بدن آنان جدا کرده و جهت ترمیم اعضای محرومان جنگ مورد استفاده قرار دهند.

این تصمیم‌های جنایتکارانه و هولناک، نشانه دیگری از رفتار فاشیستی رژیم خمینی با زندانیان سیاسی و نقشه‌های خونینی است که برای فرزندان مبارز خلق کشیده است. رژیم خونخوار و فساد پرور خمینی تاکنون بارها نشان داده است که بسرری پیشبرنده نیات ارتجاعی اش از دست زدن به وحشیانه‌ترین و فسادناهنس‌ترین جنایات بی‌بهره پروایی ندارد.

آخباری از زندانها

- رژیم تلخ‌دارد برای جلوگیری از مراجعۀ خانواده‌ها، محل زندان دستگیر شدگان تازه را نامشخص نگه‌دارد. زندانیان نامشخص خانواده‌هایی را که نگران دستگیری فرزندانشان و با وضعیت دستگیر شدگان هستند، به اشکال ممکن به سرگردانی می‌کشد. طبق اخبار رسیده اکثر رفقای دستگیر شده سازمان را در بند ۳۰۰۰ (کمیته مشترک سابق) نگهداری میکنند. سرکوبگران رژیم برخی از رفقای را طی دوره با زوجی به خانه‌های مخفی برده و تحت شکنجه قرار میدهند.

- در موارد محدودی که به برخی از رفقای پس از چندین ماه ملاقات داده شده است، بسیاری اینکه خانواده‌های وی به زندان مراجعه نکنند با آنها در خیابان قرار گذاشته‌اند. ملاقات‌ها در ماشین و در حضور بازجویان برگزار شده است.

- جیره غذایی زندانیان سیاسی که طی این مدت ۴۵ ریال بود، اخیرا بسیار کمتر شده و به ۱۸ ریال در روز رسیده است. زندانیان که از قبل هم در گرسنگی دائم بسر میبردند، اکنون در شرایط بسیار وخشناکی قرار گرفته‌اند. دژخیمان خمینی این فشارها را بویژه علیه رفقای فدائی و توده‌ای و افراد سایر گروهها که در برابر رژیم ایستاده‌اند، اعمال میکنند.

محمد علی جعفری درگذشت

همراه ۱۰ سال، رفیق محمد علی جعفری هنرمند توانای تاریخ ایران، درگذشت. جعفری از شاگردان و همکاران رفیق عبدالحمین نوشین - بنیانگذاران تا نروین ایران - و عضو با سابقه حزب توده ایران بود. فعالیت‌های او در گروه نوشین در سالهای پس از شهریور ۲۰، از درخشان‌ترین کارهای هنری تاریخ پیشاتاریخ است هنگامی که در سال ۳۴ از زندان شاه بیرون آمد، در فضای دیکتاتوری پس از کودتاه راه نوشین را ادامه داد و در سالهای اختناق شاه هشتا هی، با بازیگری و کارگردانی در تئاتر سینما، هنر مردمی و امتحان را ترویج کرد. جعفری در آستانه انقلاب و سالهای نخست پس از آن با تمام تجربه و توانش به میدان آمدونش فعالی در شورای نویسندگان و هنرمندان و سندیکای کارکنان تاریخا کرد.

بدنبال یورش جناح پشکارانه خمینی به حزب توده ایران، محمد علی جعفری نیز دستگیر شد. سال گذشته دژخیمان رژیم جوشور شدند و او را که بر اثر شکنجه‌های حیوانی زندان نیمه‌جان شده بود، از زندان رها کردند و رفیق در همراه ۱۰ سال درگذشت. با دو خاطره هنرمندان برجسته و متعهد همچون محمد علی جعفری که برای رژیم قرون وسطایی خمینی شده‌اند، در قلب مردم هنردوست ایران باقی خواهد ماند.

خاطره‌هاش جاویدان باد

فاجعه سیل

جاری شدن سیل در استان جنوبی کشور بخشی از مردم زحمتکش و ستمدیده میهنان را اما تمهید کرده و برانداخته مردمی که ستم خمینی و تش بیبهای صدام آنها را به خاک سیاه نشان داده، افزوده است. سیل دهها شهروندین هزار روستا را در آب فرو برده و صدها تن جان خود را از دست داده‌اند. هزاران راس دام تلف شده و بسیاری از قنات‌ها، چاه‌ها، باغها و اراضی کشاورزی و مناطق مسکونی بشدت تخریب شده‌اند.

مردم سیل زده نیا زندانها مکانات درما نسی نفت، سرپناه و... هستند. کمبود و نبودن این مکانات و روز بروز تلفات را بیشتر می‌کند و ترمیم خرابی‌ها را با مشکلات بیشتر و بیرومی سارد، ولی رژیم خمینی که جنگ و کشتار را در سر لوبه‌ها رخسود قرار داده است و مردم کشور را برای برا فروختن هر چه بیشتر آتش جنگ به اشکال مختلف فشارت می‌کند، هیچ کمک جدی به آسیب دیدگان نمی‌کند. خمینی و شرکایش که میلیونها ردها توما از دسترنج مردم را به کیسه سرما به داران، دلالان و قاچاقچیان اسلحه سرازیر می‌کنند، یک هزارم آترانشیز به سیل زدگان اختصاص نداده‌اند و کمک به آنان را به خود مردم واگذار کرده‌اند. فدائیان خلق در ترواحی سیل زده به یاری مردم می‌شتابند و در کنار کمک به آنان، علل گسترده تر شدن تلفات سیل و عدم کمک رژیم خمینی به مردم مصیبت زده را توضیح می‌دهند.

آدرس
PI.10
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

به برنامه‌های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرود دهید

رادیوی زحمتکشان ایران، صدای آزاد همسایه کارگران و زحمتکشان کشور و صدای برجستۀ تمام محرومان میهن است.

رادیوی زحمتکشان ایران هر روز در ساعت ۷ عصر به مدت نیم ساعت روی موج کوتاه، بردیفهای ۲۸ متر و ۴۹ متر برنامه پخش میکند. این برنامه‌ها در ساعت ۳۰:۰۷ دقیقه هم از روز و همچنین روز بعد تکرار میشود.

ساعت و طول موج این مدای رای مسلح و آزادی را با خاطر سپارید!

وقت و طول موج آنرا به همگان بگویید و در همه جا بنویسید.

رادیوی زحمتکشان ایران، افشاگر جنایات رژیم خمینی و سخنگوی منافع کارگران و زحمتکشان است.

پیروزی یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!